مطالعات محیطی هفت حصار شماره چهل‌وهشتم/ سال سیزدهم/ تابستان ۱۴۰۳
صفحات ۱۶۵-۱۴۷

خوانشی نو از سرزندگی شهری؛ جُستاری انتقادی به خوانش‌های معاصر سرزندگی شهری در ایران*

عماد شمس‌اله**، حمید ماجدی***، زهراسادات‌سعیده زرآبادی****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۷/۱۷

چکیده

سرزندگی شهری، مفهومی دشوار و چندوجهی است که تبیین و خوانش آن به سادگی تجربه‌اش نیست. اگرچه این مفهوم طی شش دهه که از حیات آن در عرصه شهرسازی دنیا می‌گذرد مورد توجه نگره‌پردازان و حرفه‌مندان قرار گرفته اما تاکنون به‌گونه‌ای مناسب «مفهوم‌سازی» نشده است. ضمن آنکه در ادبیات موضوعی‌اش با فقدان انسجام نظری روبرو است. ابعاد این مسئله، در عرصه پژوهش‌های داخلی، گستردگی بیشتری پیدا کرده که برآمده از برداشت‌ها و خوانش‌های ناصحیح و آمیختگی‌های لفظی و معنایی با مفهوم «زیست‌پذیری» است. این مقوله به شکل‌گیری ابهامات و آشفتگی‌هایی در رابطه با سرزندگی شهری انجامیده که تا به امروز، پژوهشی نسبت به آن، رویکردی انتقادی نداشته و در جهت اصلاح آن گامی مؤثر برنداشته است. بنابراین، شفاف‌سازی پیرامون اشتباهات پرتکرار پژوهش‌های داخلی پیشین و همچنین ارائه خوانشی نو مطابق با ماهیت و اهمیت این مفهوم، ضروری است. بر این اساس، پژوهش پیش‌رو، در سطح اول با استفاده از روش تحلیل محتوای متون به بررسی خوانش‌های سرزندگی شهری در پژوهش‌های خارجی پرداخته و در سطح دوم، ۴۸ مقاله داخلی منتخب(بر اساس معیارهای ترجیحی دستورالعمل پریزما) انتشار یافته در بازه زمانی (۱۳۸۶-۱۴۰۰) را با رویکردی تحلیلی-انتقادی مورد بررسی قرار می‌دهد. در سطح سوم نیز، خوانشی نو از سرزندگی شهری ارائه می‌نماید. بر اساس نتایج پژوهش پیش‌رو، سرزندگی شهری، یک «فرامفهوم» یا «اَبَرمفهوم» است که خوانش یا بازخوانی آن نیازمند «رویکردی کل‌نگر» است، به‌گونه‌ای که می‌توان آن را با استفاده از استعاره کوه یخ، مدل‌سازی کرد. در پژوهش حاضر، این فرامفهوم، «چشم‌انداز آرمانی طراحی شهریِ خوب» خوانده شده و در قالب کوه یخی دارای یک لایه بیرونیِ قابل مشاهده با عنوان «پرسونای سرزندگی» و چهار لایه زیرینِ پنهان مشتمل بر «کیفیت زندگی»، «کیفیت محیطی»، «مدیریت سرزندگی» و «نیروهای هدایتگر سرزندگی» مفهوم‌سازی گردیده است.

واژگان کلیدی

سرزندگی شهری، استعاره کوه یخ، فرامفهوم، نگرش انتقادی، تحلیل محتوا

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین انگاره فضای شهری سرزنده- پایدار» به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات است.

** پژوهشگر دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. emad.shamsollah@srbiau.ac.ir
*** استاد، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) majedi_h@yahoo.com
**** دانشیار، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. z.zarabadi@srbiau.ac.ir

©: IAUH
ISSN: 2322-5602

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

مقدمه

«سرزندگی» طی شش دهه گذشته و به‌ویژه در سال‌های اخیر، مورد توجه ساحت‌های نظری و عملی شهرسازی در سراسر دنیا قرار گرفته و از جمله مفاهیمی است که برنامه‌ریزی و توسعه شهری در قرن جدید را هدایت می‌کند(Lopes & Camanho, 2013)، بااین‌وجود در ساحت نظری، از نبود انسجام در ادبیات موضوعی‌اش رنج می‌برد. به‌گونه‌ای که تا به امروز، نظریه‌ای مسلط یا یک چارچوب نظری یکپارچه و مورد پذیرش اکثریت در ارتباط با «سرزندگی شهری» تبیین نگردیده است. این مورد، پژوهش در عرصه سرزندگی[شهری] را با چالش‌هایی همراه کرده است. از آن‌جمله بسیاری از پژوهش‌های داخلی، بدون پشتوانه نظری قابل قبول و هرگونه تلاش به‌منظور مفهوم‌سازی[1] مناسب، به تدوین اصول، معیارها و شاخص‌هایی با هدف تبیین و سنجش این مفهوم پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها در موارد متعددی، حتی معادل‌های انگلیسی صحیح «سرزندگی» را به‌درستی شناسایی نکرده‌اند و نوشتارهایی را مورد استناد قرار داده‌اند که با محوریت «زیست‌پذیری» یا «قابلیت زندگی» نگاشته شده‌اند. این مسئله که برآمده از کم‌اهمیت دانستن فرایند «واژه‌شناسی» دقیق در آغاز یک پژوهش علمی است؛ به شکل‌گیری خوانش‌های ناصحیح از سرزندگی شهری، بیش از پیش دامن زده است. ضمن آنکه بستر نظری پژوهش‌های داخلی را با آشفتگی‌ها و ابهاماتی روبرو کرده که تا به امروز کمتر پژوهش یا پژوهشگری نسبت به آن، توجه و رویکردی انتقادی داشته است. از دیگر سو با مقایسه مقاطع زمانی ورود مفهوم سرزندگی به عرصه‌های نظری شهرسازی ایران و جهان، تأخیر فازی زمانی در حدود نیم‌قرن خودنمایی می‌کند. این مسئله، در کنار درهم‌آمیزی لفظی و معنایی دو مفهوم هم‌نشین «سرزندگی» و «زیست‌پذیری» در بیشتر پژوهش‌های داخلی پیشین، شکاف دانشی عرصه سرزندگی شهری را گسترده‌تر کرده است. بر این اساس، ضرورت تدقیق خوانش‌های پیشین و ارائه خوانشی متناسب با ماهیت و اهمیت سرزندگی شهری، پیش از تدوین هرگونه چارچوب ارزیابی عملیاتی احساس می‌گردد. به این منظور، پژوهش پیش‌رو در سطح اول، با بررسی خوانش‌های گوناگون سرزندگی شهری بر مبنای پژوهش‌های خارجی، تلاش دارد تصویری شفاف و خوانا از آن ترسیم نماید. در سطح دوم به‌منظور آشکارسازی سوءبرداشت‌ها و خوانش‌های ناصحیح و اصلاح روند جاری، ۴۸ پژوهش داخلیِ انتشاریافته در بازه زمانی (۱۳۸۶-۱۴۰۰) با رویکردی تحلیلی-انتقادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در سطح سوم، خوانشی نو با هدف کمک به مفهوم‌سازی سرزندگی شهری ارائه می‌گردد که می‌تواند در پژوهش‌های آتی این عرصه راهگشا باشد. بر این اساس، دو سؤال اصلی قابل طرح است:

۱) پژوهش‌های خارجی و داخلیِ پیشین از سرزندگی شهری چه خوانش‌هایی ارائه کرده‌اند؟

۲) خوانش پژوهش پیش‌رو از سرزندگی شهری چیست؟

پیشینه پژوهش

در این بخش، به بررسی تعدادی از پژوهش‌های پیشین عرصه سرزندگی شهری با رویکردی تحلیلی-انتقادی پرداخته می‌شود. پاکزاد(۱۳۹۸)، در نوشتاری، سرزندگی شهری، سوءبرداشت‌ها پیرامون این مفهوم و محدودیت‌های گسترش آن در شهرهای ایران را مورد مطالعه قرار داده است. بنا به نظر وی، این مفهوم با وجود توجه بسیاری از نگره‌پردازان صاحب‌نام خارجی، در ایران در سطح گسترده مورد استقبال قرار نگرفته و بسیاری، آن را به‌منظور دورنماندن از مُد روز به کار می‌برند. این نوشتار بر اساس هدف، نزدیک‌ترین نوشتار به پژوهش پیش‌رو است که در پرداختن به مسئله، «ساحت عملی» را مبنای بررسی قرار داده است. درحالی‌که در پژوهش حاضر، به‌منظور مستندسازی، داده‌کاوی بر اساس منابع متعدد و تلاش برای مفهوم‌سازی، «ساحت نظری» سرزندگی شهری مورد توجه می‌باشد. گلکار(۱۳۸۵)، در پژوهشی، به تبیین چیستی سرزندگی شهری و حالت‌های وجودی آن پرداخته است. اگرچه در شناسایی واژه انگلیسی معادل سرزندگی، دقیق عمل نکرده است. پژوهش مذکور، اولین پژوهش داخلی با محوریت سرزندگی شهری به شمار می‌رود. وی در سال ۱۳۸۶، در مقاله دیگری، به‌گونه‌ای گسترده‌تر به سرزندگی پرداخته است. در این پژوهش، اشتباه در واژه‌شناسی همچنان پابرجا است. استناد به این خوانش ناصحیح بدون تدقیق آن در پژوهش‌های بعدی، به درهم‌آمیزی لفظی و معنایی «سرزندگی» و «زیست‌پذیری» در مقیاسی گسترده دامن زده است. جیکوبز(1961)، در مشهورترین اثر خود، «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» بر اساس مشاهداتش از محله‌های شهر نیویورک به تحلیل خصوصیات کالبدی خیابان و نقش آن در ارتقای سرزندگی شهری پرداخته است. اگرچه این مطالعه، پیشگام پژوهش‌های سرزندگی در عرصه شهرسازی به شمار می‌رود و تأثیری بلندمدت بر تبیین شاخص‌های سرزندگی شهری در

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

مقیاسی گسترده داشته است؛ اما می‌توان گفت جیکوبز، سرزندگی شهری را به‌مثابه‌ی «یک کل» درک نکرده و خوانش وی به شدت تحت تأثیر تنوع شهری شکل گرفته است. شاخص‌های چهارگانه مورد نظر او(کاربری‌های آمیخته، تراکم‌های نسبتاً بالا، بلوک‌های شهری کوچک و هم‌زیستی میان ساختمان‌های قدیمی و جدید)، در بیشتر پژوهش‌های سرزندگی، مورد استناد قرار گرفته‌اند. از آن‌جمله سانگ و لی[۲](2015)، در پژوهشی، دیدگاه سرزندگی شهری جیکوبز را به‌صورت تجربی در شهر سئول آزمایش و تأیید کرده‌اند. رویکرد تک‌بُعدی و غیرجامع‌نگر جیکوبز به سرزندگی شهری، در این پژوهش نیز مشهود است. وایت(1980)، در پژوهشی بنیادی از طریق ابزارهای پایه‌ای مشاهده و مصاحبه، به بررسی چگونگی زیست‌پذیر کردن و سرزنده‌سازی شهرها پرداخته و زمینه‌ای را برای تغییر نحوه مطالعه و برنامه‌ریزی فضاهای عمومی و تبدیل این فضاها به مکان‌هایی اجتماعی ایجاد کرده است. پژوهش وایت، در زمره نخستین پژوهش‌هایی است که «سرزندگی» و «زیست‌پذیری» را به‌صورت هم‌نشین مورد توجه قرار داده‌اند. ارجاع به عوامل زیست‌محیطی نظیر «آب»، «آفتاب» و «درختان» در مباحث سرزندگی توسط وایت، برآمده از هم‌نشینی مورد اشاره، صورت پذیرفته است. استرن‌برگ[۳](2000)، در پژوهشی، سرزندگی را در کنار خوانایی، فرم خوب و معنا، به‌مثابه اصولی یکپارچه معرفی کرده که از طریق آن‌ها محیط‌های شهری می‌توانند از کالایی شدن[۴] فراتر روند. وی در این پژوهش، خوانشی شفاف از سرزندگی شهری ارائه نکرده است. کوئین(2005)، در مقاله‌ای به بررسی ادبیات نظری، تاریخچه و تجربه‌های جهانی جشنواره‌های شهری پرداخته و استدلال کرده جشنواره‌های هنری، پتانسیلی غیرقابل انکار در سرزندگی جوامع، خلق تنوع و بهبود کیفیت زندگی دارند. خوانش وی از سرزندگی شهری تحت تأثیر محوریت «جشنواره‌های شهری» شکل گرفته است. چی‌ین[۵](2009)، در پژوهش خود، به بررسی جایگاه رقص در «تولید سرزندگی شهری» پرداخته است. برای این منظور دو گروه رقص مدرن و قومی در سانفرانسیسکو را مورد مطالعه قرار داده است. وی سرزندگی شهری را از علل اصلی فرایند توسعه دانسته که طیف وسیعی از بازیگران شهری در آن نقش ایفا می‌کنند. چی‌ین به منظور خوانش سرزندگی، از ادبیات «ساخت اجتماعی فضا» استفاده کرده است. این مقوله، حوزه نفوذ خوانش وی را محدود ساخته و درک برداشت وی از سرزندگی شهری را به آشنایی با انگاره‌های اشخاصی چون هاروی[۶](1973)، کستل[۷](1979) و لفور[۸](1991) منوط کرده است. دیل، لینگ و نیومن[۹](2010)، در پژوهشی به بررسی رابطه میان سرزندگی جامعه، تاب‌آوری و نوآوری پرداخته و سرزندگی جامعه را به‌عنوان سنگ بنای توسعه پایدار معرفی کرده‌اند. این پژوهش از معدود پژوهش‌هایی است که سرزندگی شهری را در رابطه با «پایداری» مطالعه کرده است. پژوهش مذکور، در رویکردی قابل تأمل، سرزندگی را به‌عنوان مفهومی مستقل و نه زیرمجموعه پایداری در نظر گرفته است. کاراس(2015) در کتاب خود، طی رویکردی تجربی، سرزندگی شهری را بر مبنای ۱۰ نشان اختصاصی تبیین و چارچوبی را به‌منظور سنجش سرزندگی شهری ابداع کرده و آن را «urbanSCALE»[۱۰] نامیده است. اگرچه خوانش وی از سرزندگی بسیار انتزاعی است.

مبانی نظری

واژه‌شناسی سرزندگی: یکی از اساسی‌ترین چالش‌های علوم انسانی، وجود ابهامات و عدم دقت در به‌کارگیری اصطلاحات و مفاهیم است. به‌گونه‌ای که خوانش‌های ناصحیح یک اصطلاح[مفهوم] می‌تواند به انحراف بحث اصلی و نتیجه‌گیری‌های غیرعلمی بیانجامد(ذوعلم، ۱۳۸۴). از این روی، آگاهی از معنا و معادل‌های دقیق کلیدواژه‌ها، با هدایت پژوهشگر در مسیر صحیح می‌تواند بر غنای مطالعاتی و اعتبار پژوهش بیفزاید. از دیگر سو عدم تلاش برای شناخت دقیق واژه‌های کلیدی، می‌تواند نتایج پژوهش‌های علمی را به‌اندازه‌ای غیرمعتبر گرداند که نمی‌توان باور کرد این مسئله، تنها برآمده از کم‌اهمیت دانستن فرایند «واژه‌شناسی» باشد. یک اصطلاح علمی، در هر رشته‌ای از علوم، کاربرد خاص خود را دارد که توجه به آن به‌ویژه در هنگام برابرسازی‌های پارسی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. در زبان و ادبیات انگلیسی، معادل‌های «سرزندگی» دلالت بر طیف گسترده‌ای از واژه‌ها دارند؛ به‌گونه‌ای که بازتاب این مسئله در متون خارجی، پژوهشگر پارسی‌زبان را در بدو امر و هنگام جست‌وجوی متون مرتبط، با چالش‌هایی جدی روبرو می‌سازد. با بررسی متون تخصصی شهرسازی، معادل‌هایی برای سرزندگی و واژه‌های هم‌نشین آن، شناسایی گردید که در جدول ۱ بازنمایی شده است.[۱۱]

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

جدول ۱- معانی و معادل‌های واژه سرزندگی و همنشین‌های آن در زبان‌های پارسی و انگلیسی

واژه		معنی/تعریف	واژه‌نامه
اسم	صفت		
سرزندگی	سرزنده	حالت و چگونگی سرزنده و بانشاط بودن.	لغت‌نامه دهخدا
		سرحال بودن، سرخوش بودن، شادمان و بانشاط بودن.	فرهنگ فارسی عمید
		سرزنده بودن، سلامت روحی و نشاط.	فرهنگ بزرگ سخن
Vitality	Vital	Vita (پیشوند)؛ کلمه‌ای لاتین به معنی «زندگی و حیات». Vital (صفت)؛ حیاتی، وابسته به زندگی، اساسی، کاری و مؤثر، خیلی مهم و حیات‌بخش. Vitality (اسم)؛ به معنی خاصیت حیاتی، قدرت حیاتی، نیروی زندگی.	فرهنگ آریانپور
		سرزندگی به‌همراه زیست‌پذیری، ویژگی مراکز شهرهای بزرگ و کوچک موفق‌اند. سرزندگی یک مرکز شهری، بازتابی از شلوغی آن در بازه‌های زمانی مختلف و بخش‌های گوناگون است. درحالی‌که زیست‌پذیری(viability) معیاری برای سنجش ظرفیت آن در جذب سرمایه به منظور بهبود، سازگاری و تطابق با نیازها است(Cowan, 2005: 442).	واژه‌نامه شهرسازی
		حالت قوی و فعال بودن. ریشه آن به قرن ۱۶م. و واژه لاتین vitalitas برگرفته از vitalis بازمی‌گردد. واژه اخیر، خود از vita به معنی «زندگی» گرفته شده است.	آکسفورد
Vibrancy	Vibrant	ارتعاش، جنب‌وجوش.	فرهنگ آریانپور
		سرزندگی[۱۲](Cowan, 2005: 437).	واژه‌نامه شهرسازی
		حالت سرشار بودن از انرژی و زندگی.	آکسفورد
Liveliness	Lively	صفت؛ باروح، سرزنده، بانشاط و مفرح.	فرهنگ آریانپور
		کیفیتی برآمده از برونگرایی، پرانرژی بودن و داشتن اشتیاق.	آکسفورد
Livability	Livable	صفت؛ قابل زیست، درخور حیات، قابل معاشرت، شایسته آمیزش.	فرهنگ آریانپور
		صفت؛ مناسب برای زندگی، فراهم کردن کیفیتی مناسب برای زندگی(Cowan, 2005: 221).	واژه‌نامه شهرسازی
		مناسب برای زندگی.	آکسفورد
Viability	Viable	قابلیت زیست، زندگی کردن، رشد کردن، مناسب برای زندگی.	فرهنگ آکسفورد
		توانایی انجام کار به‌صورت موفقیت‌آمیز، در زیست‌شناسی: توانایی زنده ماندن(امکان بقا) یا زندگی کردن به‌صورت موفقیت‌آمیز.	آکسفورد

بر اساس داده‌های جدول ۱:

- سرزندگی در معنای عام خود، داشتن احساس خوشی و شادمانی و حالت سرشار بودن از زندگی است.
- دو واژه «شادمانی» و «نشاط» در معنای «سرزندگی» به کار می‌روند؛ اگرچه در متون تخصصی شهرسازی ایران، واژه «سرزندگی» رایج گردیده که اتفاق خوشایندی است. چرا که این واژه در مقایسه با دو واژه دیگر، دارای ظرافت‌های معنایی است که دلالت بر «روح زندگی» دارد. مشابه با واژه انگلیسی معادلش یعنی «Vitality» که از ریشه «Vita» به معنی «زندگی» گرفته شده است.
- دو مفهوم «سرزندگی» و «زیست‌پذیری»، مفاهیمی هم‌نشین و نه جانشین می‌باشند. «زیست‌پذیری» به وجود امکانات و بستر مناسب برای زندگی اشاره دارد. درحالی‌که «سرزندگی»، ویژگی‌ای انسانی است که آن را به شهر نیز به‌عنوان یک موجود زنده می‌توان نسبت داد. به بیان شهرسازانه، سرزندگی، «روح و انرژی جاری در کالبد شهر» می‌باشد.
- «Vitality»، انرژی، نیرو یا ظرفیت زندگی است؛ درحالی‌که «Vibrancy» و «Liveliness»، به حالت و کیفیت سرشار بودن از این انرژی اشاره دارند. می‌توان گفت «Vibrancy» و «Liveliness»، سیمای «Vitality» می‌باشند.
- واژه‌های «Vitality»، «Liveliness» و «Vibrancy»، صحیح‌ترین معادل‌ها با نزدیکی بسیار به مفهوم مورد انتظار از واژه «سرزندگی» در زبان پارسی هستند و دو واژه دیگر یعنی «Viability» و «Livability» در معنای «زیست‌پذیری»، «قابلیت زیست» یا «قابلیت زندگی» کاربرد دارند.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

بر مبنای بررسی‌های صورت‌گرفته، در متون انگلیسی شهرسازی در جایی که سرزندگیِ «مراکز شهری» مورد نظر بوده عموماً از «Vibrancy» استفاده شده است. به نظر می‌رسد برونگرایی و جنب‌وجوش مورد نظر این واژه با ذات مراکز شهری که با تمرکز افراد، فعالیت، خدمات و اطلاعات همراه هستند هم‌پوشی بیشتری دارد. همچنین در مواردی که سرزندگی در سطح شهر، فضاهای عمومی و فضاهای شهری مورد نظر بوده است غالباً «Vitality» یا «Liveliness» به کار رفته‌اند. بر این اساس، در نوشتار پیش‌رو، این سه واژه و واژه‌های برآمده از آن‌ها، مبنای جست‌وجوی متون خارجی در رابطه با سرزندگی شهری، قرار گرفته‌اند.

مفهوم‌شناسی سرزندگی: استرن[۱۳](2010)، سرزندگی را از دیدگاه گشتالت به‌مثابه «یک کل» تبیین می‌کند. وی معتقد است سرزندگی، برایند پنج رویداد به‌هم‌مرتبط است و از آن‌ها تحت عنوان «پنجگانه پویای بنیادین»[۱۴] نام می‌برد: ۱) حرکت[۱۵]، ۲) نیرو[۱۶]، ۳) زمان، ۴) فضا و ۵) مقصد[۱۷]. وی تشریح می‌کند که تجربه سرزندگی، از طریق «حرکت» آغاز می‌گردد؛ «حرکت» به‌تنهایی رخ نمی‌دهد و نیاز به «نیروی محرکه درونی و پشتیبان» دارد که همان انگیزش‌های درونی است؛ این «حرکت» در یک «بازه زمانی» اتفاق می‌افتد؛ شروع می‌شود، جریان می‌یابد و به پایان می‌رسد؛ همچنین، «حرکت» برای وقوع به «فضا» نیاز دارد؛ در نهایت، «حرکت» دارای جهت‌گیری و هدف است و به نظر می‌رسد به جایی منتهی می‌شود که همان «مقصد» است.

خوانش‌های پژوهش‌های خارجی از سرزندگی شهری: سرزندگی شهری، مفهومی بسیار گسترده و پیچیده است. درحالی‌که توجه‌های بسیاری به این مفهوم در کشورهای توسعه‌یافته جلب شده اما مطالعات مرتبط، به‌ندرت در کشورهای در حال توسعه انجام شده است(Yue, Chen, Zhang & Liu, 2019). بر مبنای ادبیات نظری موجود، تعریف[های] صریح و شفافی از سرزندگی شهری که دامنه گسترده‌ای از نگره‌پردازان، آن[ها] را پشتیبانی کرده باشند وجود ندارد. بر این اساس بیشترِ گزاره‌های مندرج در جدول ۲ با استفاده از رویکرد تحلیل محتوای متون، عموماً به‌صورت تعریف‌هایی ضمنی، تبیین گردیده‌اند. تعریف ضمنی[۱۸]، مقابل تعریف صریح[۱۹] قرار می‌گیرد و به تعریفی برآمده از فهم و درک نگارنده‌اش از یک مفهوم اشاره دارد. به بیان دیگر به بافت غیرزبانی و جنبه‌های فرهنگی-عاطفی مربوط است. اگرچه به نظر می‌رسد در عمل و به‌ویژه در عرصه علوم انسانی نتوان خط پررنگی میان تعریف‌های ضمنی و صریح ترسیم کرد. چرا که بنا به نظر وُلوشینف[۲۰](1973)، «معنی» همواره با قضاوت ارزشی همراه است و هیچ توصیفِ خنثی، عینی و عاری از عنصر ارزش‌گذاری وجود ندارد.

جدول ۲- تعریف‌های سرزندگی شهری، شهر و فضای شهری سرزنده بر اساس پژوهش‌های خارجی

نگره‌پرداز	سال	تعریف
جین جیکوبز	۱۹۶۱	سرزندگی شهری، سیمای زندگی شهری است(Jacobs, 1961).
ویلیام وایت	۱۹۸۰	سرزندگی فضای شهری، تجلی حضور مردم در فضا و در گرو استفاده هرچه بیشتر از آن فضا است(Whyte, 1980).
کوین لینچ	۱۹۸۱	سرزندگی یعنی شکل شهر تا چه اندازه پشتیبان عملکردهای حیاتی، نیازهای زیستی و قابلیت‌های انسانی است (Lynch, 1981).
مونت‌گمری	۱۹۹۸	سرزندگی، چیزی است که مکان‌های شهری موفق را از سایر مکان‌ها متمایز می‌گرداند و به جریان‌های عابر پیاده در زمان‌های مختلف، تعداد جشن‌ها و رویدادهای فرهنگی در طول سال، وجود زندگی فعال خیابانی و به طور کلی میزان احساس زندگی و پویایی در یک مکان با تأکید بر فعالیت‌های انسانی اشاره دارد (Montgomery, 1998).
ریونسکرافت	۲۰۰۰	سرزندگی مؤلفه‌ای مهم در تصمیمات جدید سرمایه‌گذاری(زیست‌پذیری) است و زیست‌پذیری با توسعه مستمر امکانات جدید، جذابیت فزاینده‌ای(سرزندگی) را برای بازدیدکنندگان به ارمغان می‌آورد(Ravenscroft, 2000).
رابرت کوان	۲۰۰۵	سرزندگی به‌همراه زیست‌پذیری، ویژگی مراکز شهرهای بزرگ و کوچک موفق است. سرزندگی یک مرکز شهری، بازتابی از شلوغی آن در بازه‌های زمانی مختلف و بخش‌های گوناگون است(Cowan, 2005).
مارتین بردشاو	۲۰۰۵	سرزندگی به‌خودیِ‌خود دلالت بر پویایی و تحرک دارد. بنابراین می‌تواند در مورد یک مرکز شهر اشاره به میزان شلوغی و جنب‌وجوش آن داشته باشد(Bradshaw, 2005).
ویکاس متا	۲۰۰۷	فضای شهری سرزنده، به‌عنوان یک «فضای اجتماعی» شناخته می‌شود. فضایی است که با حضور مردمی که در انواع فعالیت‌ها(به‌ویژه فعالیت‌های اجتماعی) سهیم هستند؛ تعریف می‌شود(Mehta, 2007).
هالند و همکاران	۲۰۰۷	سرزندگیِ صحنه شهری نیازمند درجاتی از غیرقابل پیش‌بینی بودن انسان است. در واقع اغلب پیشنهاد هرج‌ومرج، شانس یا تصادف است که باعث می‌شود بسیاری بخواهند از پتانسیل فضای عمومی تجلیل کنند (Holland, Clark, Katz & Peace, 2007).
چارلز لندری	۲۰۰۸	سرزندگی، قدرت و انرژی بالقوه یک شهر است که برای تحققِ زیست‌پذیری نیاز به هدایت دارد (Landry, 2008).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

نگره‌پرداز	سال	تعریف
میریام چی‌ین	۲۰۰۹	سرزندگی شهری، روح بخشیدن به زندگی خیابانی و معابخشی به مکان‌ها است که توسط بازیگران شهری(صاحبان مشاغل، کارگران، سازمان‌دهندگان شهر، ساکنین، هنرمندان و...) از طریق تنوع و پیچیدگی فعالیت‌ها و قدرت و دامنه شبکه‌های اجتماعی و نهادهایشان صورت می‌پذیرد (Chion, 2009).
دیل و همکاران	۲۰۱۰	شهر سرزنده، مکانی است که در آن سیستم‌های انسانی به‌جای آنکه علیه سیستم‌ها و فرایندهای طبیعی کار کنند در توافق با آن‌ها پیش می‌روند (Dale et al, 2010).
یان گل	۲۰۱۰	سرزندگی شهری مفهومی نسبی است و در پیوند با جریان زندگی شهری تعریف می‌شود. شهر سرزنده، سیگنال‌های دوستانه و خوشامدگویانه را با وعده تعاملات اجتماعی ارسال می‌کند. شهر سرزنده به زندگی شهری متنوع و پیچیده نیاز دارد که در آن فعالیت‌های تفریحی و اجتماعی با فضای لازم برای تردد عابران پیاده و همچنین فرصت مشارکت در زندگی شهری آمیخته باشد(Gehl, 2010).
آی تی اف[۲۱]	۲۰۱۲	سرزندگی شهری در ارتباط نزدیک با مردمی است که به‌صورت پیاده برای اهداف گوناگون در فضای شهری حضور می‌یابند. فراتر از پیاده‌روی به‌منظور دسترسی به کالا و خدمات، فعالیت‌های دیگری در فضای شهری در جریان است که در مجموع «اقامت موقت»[۲۲] نامیده می‌شود. پیاده‌روی و اقامت موقت در کنار هم، قلب زندگی شهری(سرزندگی) است که به زیست‌پذیری، جذابیت، موفقیت و پایداری شهرها کمک می‌کند(ITF, 2012).
دولت ایالتی استرالیای جنوبی	۲۰۱۳	در شهر سرزنده، خیابان‌های شهر مکان‌هایی پرجنب‌وجوش و هیجان‌انگیز هستند که تجربه‌های منحصربه‌فردی را برای ساکنین و بازدیدکنندگان فراهم می‌آورند. چنین شهری فعالیت‌های متنوعی را ارائه می‌کند که برای گروه‌های سنی مختلف طراحی شده‌اند(Government of South Australia, 2013).
جان کاراس	۲۰۱۵	شهر سرزنده شهری است که همه‌چیز را برای همه‌کس ندارد اما بیشتر چیزها را برای بیشتر مردم دارد(karras, 2015).
یو و همکاران	۲۰۱۹	سرزندگی شهری، ظرفیت محیط ساخته‌شده برای تقویت فعالیت‌های اجتماعیِ پویا می‌باشد(Yue et al, 2019).
لیو و همکاران	۲۰۱۹	سرزندگی شهری، شدت تمرکز مردم و انرژی شهر است(Liu, Zhang & Long, 2019).
شی و همکاران	۲۰۲۱	شهرهایی که سرشار از سرزندگی هستند باعث می‌شوند ساکنانشان احساس امنیت و آسایش کنند؛ همچنین دارای زندگی خیابانی غنی، نظم و شکل شهری معقول می‌باشند(Shi, Miao, Si & Liu, 2021).

بر اساس تعریف‌های بازنمایی‌شده در جدول ۲، خوانش‌های متعدد و برداشت‌های متفاوتی از سرزندگی شهری، قابل شناسایی است. به باور سالای[۲۳](1980)، زمانی که با یک مفهومِ درحال توسعه سروکار داریم عدم وحدت و شفافیت در تعاریف، امری طبیعی است. بر این اساس، نگره‌پردازان مختلف با لنزهای نظری گوناگون به سرزندگی شهری نگریسته‌اند. جیکوبز(1961)، یان گل(2010)، آی تی اف(2012)، آن را پدیده‌ای سراسر اجتماعی و در پیوند با زندگی شهری معرفی کرده‌اند؛ لینچ(1981) با تأکید بر جنبه‌های اکولوژیکی-بیولوژیکی، سرزندگی را در مقیاسی بسیار کلان نگریسته است. به بیان دیگر خوانش وی از سرزندگی شهری، همانا «زیست‌پذیری» است. بردشاو(2005) یکی از مؤلفه‌های مورد نظر استرن یعنی «حرکت و تحرک» را در تعریفش مبنا قرار داده و در خوانشی مشابه با رهیافت جیکوبز، سرزندگی را در ارتباط با «تنوع» تبیین و بر اهمیت آن در ارتقای کیفیت مکان‌ها تأکید کرده است. در خوانش وی «سرزندگی»، بیشتر بر مبنای شاخص‌های فرهنگی- اجتماعی تبیین شده است؛ خوانش ریونسکرافت(2000) تحت تأثیر هم‌نشینی دو مفهوم سرزندگی و زیست‌پذیری صورت پذیرفته است. کوان(2005)، نیز در تعریف سرزندگی، دقیقاً از خوانش ریونسکرافت استفاده کرده است؛ لندری(2008)، سرزندگی را شرط لازم برای تحقق زیست‌پذیری خوانده و آن را در چهار شکل «سرزندگی اقتصادی»، «سرزندگی اجتماعی»، «سرزندگی و زیست‌پذیری محیطی»، «سرزندگی و زیست‌پذیری فرهنگی» تبیین کرده است؛ می‌توان گفت تقسیم‌بندی وی تحت تأثیر مؤلفه‌های سه‌گانه «پایداری» صورت پذیرفته است. مونت‌گمری(1998) و متا(2007)، هستی‌پذیری سرزندگی را منوط به حضور فعالانه مردم دانسته‌اند؛ در خوانش وایت(1980)، سرزندگی هم‌ارز با «کارامدی فضاهای شهری» در نظر گرفته شده است. به نظر می‌رسد خوانش سرزندگی به عنوان مفهومی هم‌نشین با زیست‌پذیری، اولین بار توسط وایت صورت پذیرفته و در دهه‌های بعد توسط نگره‌پردازانی چون لندری و ریونسکرافت دنبال شده است. مونت‌گمری(1998) در خوانش خود، از کلیدواژه‌های محبوب جیکوبز مانند «زندگی فعال خیابانی»، «نظارت طبیعی» و «تنوع» وام گرفته است. او همچنین، سرزندگی را در نقطه مقابل «بی‌روح بودن» به کار برده و از آن، معنای «موفقیت» و «فعال بودنِ» یک مکان شهری را استنباط کرده است. هالند و همکاران(2007)، وجود عنصر «غافلگیری» را در آن شناسایی کرده و از آن به‌عنوان پتانسیل بالقوه فضاهای

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

عمومی نام برده‌اند. چی‌ین(2009)، سرزندگی را روح زندگی و عامل معنا یافتن مکان معرفی و در خوانش خود از واژه «تولید» استفاده کرده است. رویکرد او برای درک تولید سرزندگی شهری از مطالعات ساخت اجتماعی فضا نشأت گرفته است. خوانش دیل و همکاران(2010)، تحت تأثیر شناسایی پیوندها میان سرزندگی با پایداری صورت پذیرفته است؛ گل(2010)، در خوانشی مشابه با خوانش مونت‌گمری، در مقابلِ واژه «سرزنده»[۲۴] از واژه «بی‌روح»[۲۵] استفاده کرده است. لیو و همکاران(2019) همانند لندری، سرزندگی را «انرژی شهر»خوانده‌اند و کاراس(2015) خوانشی انتزاعی، از آن ارائه کرده است.

در بیشتر خوانش‌های ارائه‌شده می‌توان فاکتور «حضور مردم» را شناسایی کرد. به بیان دیگر «حضور مردم» پیش‌شرط هستی‌پذیری و بروز سرزندگی شهری تلقی شده است. اگرچه به نظر می‌رسد در برخی از خوانش‌ها ازجمله خوانش‌های وایت(1980)، کوان(2005) و بردشاو(2005)، حضورِ صرف یا هرچه بیشتر مردم و یا حتی شلوغی، مثبت انگاشته شده است. در نقطه مقابلِ چنین خوانشی، «حضور فعالانه و معنادار» را نیز می‌توان متصور شد. همچنین در بیشتر خوانش‌های مورد اشاره، رویکردی تک‌بُعدی و غیرجامع‌نگر قابل تشخیص است. به این معنا که هریک از منظری خاص یا با تأکید بیشتر بر «یک عامل»، سرزندگی را تبیین کرده‌اند. به‌عنوان مثال در خوانش‌های جیکوبز و بردشاو، سرزندگی، برآمده و زائیده «تنوع شهری» در نظر گرفته شده یا در خوانش وایت عموماً به نقش عامل«محیط» اشاره شده است. در این خوانش‌ها «جامعیت» مفهوم سرزندگی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. چه بسا خوانش سرزندگی[شهری] به‌صورت دقیق و علمی امکان‌پذیر نباشد؛ همانند توصیف یک پیاز که در ظاهر ساده اما چالش‌برانگیز است. چرا که لایه‌های بسیاری دارد و در صورت جداسازی، تنها پوسته بیرونی باقی می‌ماند و ساختار اصلی آن ناپدید می‌گردد. اگر هر لایه، جداگانه تعریف شود کلیت را از دست خواهیم داد. مفهومِ سرزندگی نیز چنین است، لایه‌های بی‌شماری[متغیرهای متعددی] دارد که در کنار یکدیگر باید مورد مطالعه قرار گیرند. به‌منظور خوانا کردن سرزندگی شهری ضروری است آن را با رویکردی کل‌نگر و به‌مثابه «یک کل» بررسی نماییم. بر این اساس، سرزندگی شهری در خوانش مورد نظر این نوشتار، یک فرامفهوم[۲۶] یا اَبَرمفهوم[۲۷] است که دربردارنده زیرمفاهیمی مانند «تنوع شهری»، «زندگی فعال خیابانی»، «حضورپذیری» و... می‌باشد. هریک از این زیرمفاهیم، خود از طریق شاخص‌های متعددی نیازمند مطالعه و تبیین می‌باشند. مطابق با خوانش نوشتار پیش‌رو، «فرامفهوم سرزندگی شهری» چتر جامعیتش را بر تمام کیفیت‌های فضایی موجود در یک محیط شهری می‌گستراند؛ به‌عبارت دیگر، می‌توان سرزندگی را «کیفیت جامع» یا «جامع کیفیت‌ها»ی یک مکان یا فضای شهری نامید.

بررسی کرونولوژیک[۲۸] سرزندگی شهری: بررسی یک مفهوم در گذر زمان، به شناسایی سیر تحول و تکامل آن مفهوم کمک می‌کند. به این منظور و بر مبنای تحلیل خوانش‌های برآمده از روایت‌های مندرج در جدول ۲، دیاگرامی طراحی گردیده که در آن روند تغییرات «خوانش» و «کاربرد» سرزندگی شهری طی شش دهه که از حیات آن در محافل آکادمیک شهرسازی دنیا می‌گذرد؛ در چهار بازه زمانی، بازنمایی شده است(تصویر ۱). بر این اساس سرزندگی شهری در چهار مقیاس مورد توجه بوده است: «شهر»، «مرکز شهر»، «فضای شهری» و «مکان شهری». در کلان‌ترین مقیاس یعنی شهر، خوانش‌ها از سرزندگی شهری، در برخی موارد در هم‌نشینی با «زیست‌پذیری» صورت پذیرفته است. سرزندگی شهری در آغاز و مطابق با تبیین نگره‌پرداز اصلی آن، جیکوبز، آیینه تمام‌نمای زندگی شهری بوده و در پیوند نزدیک با مردم تعریف می‌شده است. این خوانش، نزدیک به دو دهه و تا زمان شکل‌گیری رویکردهای زیست‌محیطی نسبت به شهر، به حیات خود ادامه داده است. در دهه ۱۹۸۰ خوانشی جدید در مطالعات سرزندگی شهری شکل می‌گیرد و «زیست‌پذیری» به‌مثابه یک همزاد با سرزندگی همنشین می‌گردد. در موردی استثنا، لینچ تا جایی پیش رفته که سرزندگی را در معنای «زیست‌پذیری» به کار برده است. در دهه ۱۹۹۰ اولین بار مقیاس «مکان» توسط مونت‌گمری در مطالعات سرزندگی شهری مورد توجه قرار گرفت و بر مبنای مؤلفه‌های اصلی مکان(فرم، فعالیت و تصویر ذهنی) تبیین گردید. خوانش دهه گذشته توسط افرادی مانند لندری، بردشاو[۲۹] و ریونسکرافت در این دهه نیز، با تأکید بیشتر بر مقیاس «مرکز شهر»، تداوم یافت. از آغاز قرن جدید، پرداختن به مفاهیم زیست‌محیطی در خوانش‌های سرزندگی شهری کم‌رنگ شده است. در مقابل، نگرش اجتماعی، یک بار دیگر و این بار با تأکید بر مؤلفه‌هایی چون «حضورپذیری»، «تنوع و پیچیدگی فعالیت‌های اجتماعی»، «مشارکت در زندگی شهری»، «قدرت شبکه‌های اجتماعی» و تعریف فضای شهری به‌عنوان یک «فضای اجتماعی» مورد توجه قرار گرفته است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

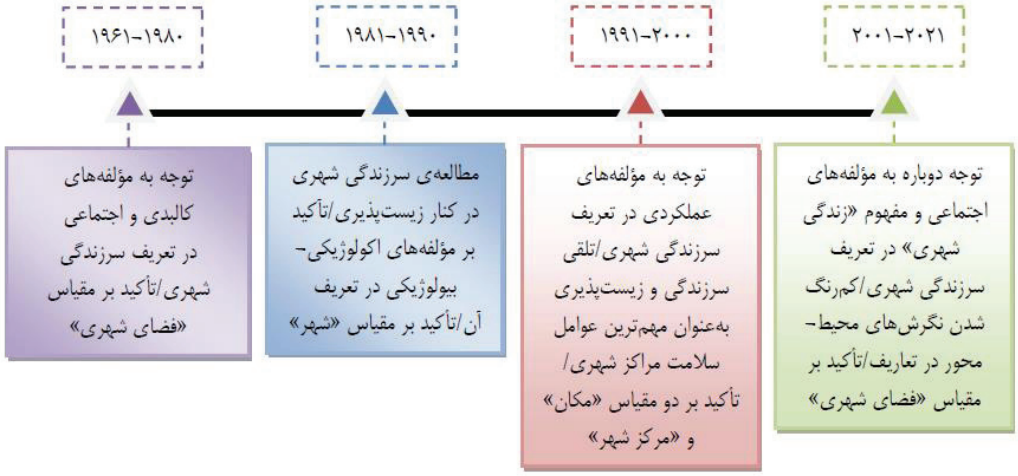

تصویر ۱- سیر تحول خوانش‌های سرزندگی شهری در گذر زمان

روش پژوهش

در انجام پژوهش پیش‌رو، روش تحلیل محتوای متون مورد توجه بوده است. فیلیپ مایرینگ[۳۰]، سه شیوه تحلیلی متمایز را به این منظور پیشنهاد داده که به‌صورت مستقل یا ترکیبی، می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند: ۱) خلاصه‌سازی متن با حفظ محتوا، ۲) تشریح(معنا کردن و شفاف‌سازی) شامل بررسی‌های واژگانی- دستورزبانی و خلاصه‌سازی بخشی از متن، ۳) پیکربندی متن بر اساس فرم و محتوا(Kohlbacher, 2006). بر این اساس در نوشتار پیش‌رو، ترکیبی از دو شیوه آخر مورد استفاده قرار گرفته است.

در انتخاب مقاله‌های فارسی نیز در راستای نمونه‌گیری هدفمند به‌منظور انجام فرایند تحلیل، از دستورالعمل پریزما[۳۱] استفاده شده است. بر این اساس، در گام نخستِ جست‌وجوی منابع، کلیدواژه «سرزندگی» در دو پایگاه داده‌های فارسی، شامل پرتال جامع علوم انسانی و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی[۳۲]، مورد جست‌وجو قرار گرفت. در پایگاه اول، ۱۵۳ مقاله و در پایگاه دوم، ۲۰۷ مقاله که در عنوان آن‌ها واژه «سرزندگی» به کار رفته بود شناسایی گردید. در گام دوم و به‌منظور پالایش مقاله‌های یافت‌شده، تعدادی از مقاله‌ها از فرایند بررسی خارج شد. به این منظور، چهار معیار شامل الف) غیرمرتبط بودن(مقاله‌هایی که به موضوعی بجز سرزندگی شهری پرداخته بودند مانند سرزندگی تحصیلی، ذهنی، صوتی و... یا در بخش مبانی نظری به سرزندگی نپرداخته بودند)، ب) عنوان تکراری، ج) چاپ در نشریه‌های فاقد رتبه‌بندی وزارت علوم و د) بازه زمانی انتشار(۱۳۸۶-۱۴۰۰)، مبنا قرار گرفت. در پایان، صلاحیت ۴۸ مقاله بر اساس معیارهای ترجیحی، احراز گردید(تصویر ۲).

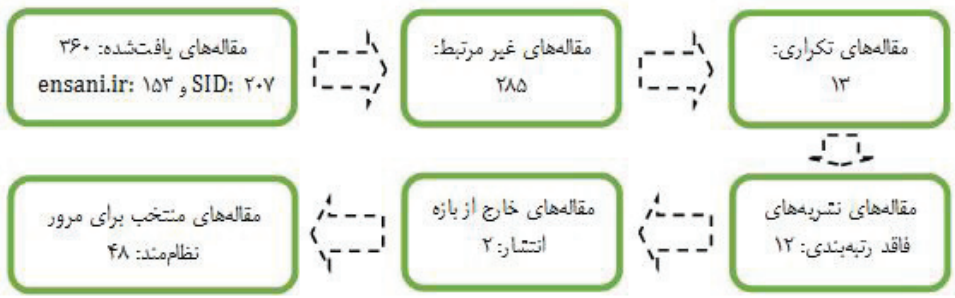

تصویر ۲- فرایند انتخاب مقاله‌ها مطابق با دستورالعمل پریزما و معیارهای ترجیحی

پس از مشخص شدن مقاله‌های منتخب، پایگاه داده‌های مقاله‌ها تشکیل گردید و برای هر مقاله یک کد منحصربه‌فرد از (۱) تا (۴۸) در نظر گرفته شد(جدول ۳). به‌منظور انجام تحلیل‌های ساختاری و محتواییِ مقاله‌های منتخب، راهنمایی مطابق با جدول ۴، به تفکیک واحدهای تحلیل(قلمرو پژوهش، منابع مورد استناد، محوریت پژوهش و...)، برای کدگذاری و طبقه‌بندی اطلاعات مقاله‌ها و استخراج داده‌های مورد نیاز طراحی گردید.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

جدول۳- بخشی از پایگاه داده‌های مقاله‌های منتخب

کد	منبع	کد	منبع
۱	گلکار، کورش. (۱۳۸۶). مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری، *فصلنامه علمی-پژوهشی صفه*، ۱۶(۴۴)، ۶۶-۷۵.	۲	حبیبی،کیومرث، نسترن، مهین، و محمدی، مهرداد. (۱۳۹۵). سنجش و ارزیابی سرزندگی فضاهای عمومی شهری و نقش آن در ارتقای کیفیت زندگی جوانان موردشناسی: خیابان نظر شرقی شهر اصفهان، *جغرافیا و آمایش شهری*، ۱۹، ۱۶۱-۱۸۰.
۳	شهبازی، مهرداد، یگانه، منصور و بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۸). غربالگری عوامل سرزندگی محیطی در فضاهای باز مجموعه مسکونی شهر تهران با استفاده از تکنیک فازی، *مدیریت شهری*، ۱۸(۵۴)، ۱۴۷-۱۶۸	۴	خستو، مریم، و سعیدی رضوانی، نوید. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری، خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم «مرکز خرید پیاده»، *هویت شهر*، ۴(۶)، ۶۳-۷۴.
۵	صداقتی، عاطفه، و فارسی، جواد. (۱۳۹۵). طیف سنجی سرزندگی در بافت ها و محلات شهری با تلفیق رویکردهای توسعه پایدار، رشد هوشمند و نوشهرگرایی و کاربرد مدل الکتر (نمونه موردی: محلات شهر مرودشت)، *جغرافیا و توسعه*، ۱۴(۴۴)، ۲۲۹-۲۵۳.	۶	رخشانی‌نسب، حمیدرضا، و رشیدیان، مریم. (۹۶). تحلیلی بر جایگاه مبلمان ورزشی در افزایش سرزندگی فضاهای شهری مطالعه موردی: شهر نورآباد، *جغرافیا و توسعه*، ۱۵(۴۶)، ۱۰۱-۱۱۶.

جدول ۴- راهنمای کدگذاری و طبقه‌بندی اطلاعات مقاله‌های منتخب

قلمرو پژوهش	حوزه تخصصی	واژه شناسی	محوریت پژوهش			روش پژوهش	ماهیت پژوهش	منابع مورد استناد
			مفهوم‌محور	مکان‌محور	رفتارمحور			
شهر	طراحی شهری	اشتباه	✓			کیفی	بنیادی	Cowan(2005), Appleyard(1981)

یافته‌های پژوهش

تحلیل ساختاری مقاله‌های منتخب: ۴۸ مقاله مورد بررسی، در ۲۷ نشریه داخلی دربردارنده ۱۷ نشریه از گروه «علوم انسانی»، ۹ نشریه از گروه «هنر و معماری» و یک نشریه از گروه «علوم پایه»، در بازه زمانی (۱۳۸۶-۱۴۰۰) انتشار یافته‌اند. از تعداد کل مقاله‌ها، بالاترین سهم مربوط به نشریه‌های گروه «علوم انسانی» با ۲۷ مقاله می‌باشد. گروه‌های «هنر و معماری» با ۲۰ و «علوم پایه» با یک مقاله در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. انتشار مقاله‌های منتخب با موضوع سرزندگی شهری طی سال‌های ۸۶ تا ۹۸، روندی صعودی داشته است(تصویر ۳).

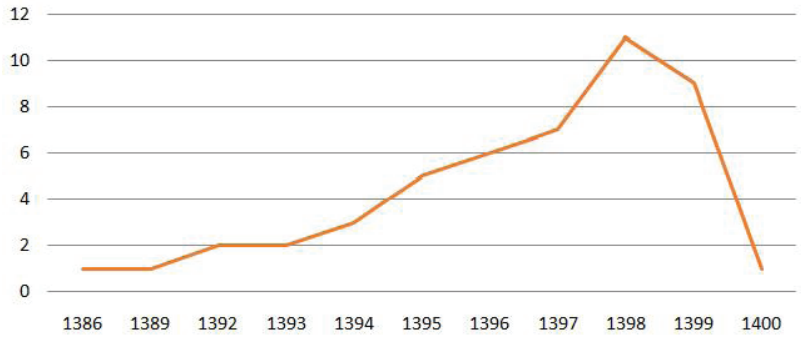

تصویر ۳- نمودار پراکنش مقاله‌های منتخب با موضوع سرزندگی شهری بر حسب سال انتشار

بیشترین مقاله‌های منتشرشده به ترتیب مربوط به سال‌های ۹۸ با ۱۱، ۹۹ با ۹ و ۹۷ با ۷ مقاله می‌باشد. به بیان دیگر، بیشترین میزان توجه به موضوع سرزندگی شهری، طی سه سال متوالی مذکور(انتشار ۲۷ مقاله در مجموع) شکل گرفته است. مطابق با بررسی‌های صورت‌گرفته، نشریه‌های «شهر پایدار» و «مدیریت شهری» هرکدام با ۶ مقاله، بیشترین سهم از پژوهش‌های عرصه سرزندگی شهری را در بازه زمانی مورد نظر این نوشتار، به خود اختصاص داده‌اند(جدول ۵). از میان کل مقاله‌ها، ۲۶ مورد، برگرفته از طرح‌های پژوهشی(پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری) بوده‌اند. نکته قابل تأمل، وجود مطالب بعضاً مشابه و عمدتاً تکرارشونده در برخی از مقاله‌های برآمده از طرح‌های پژوهشی واحد می‌باشد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

جدول ۵- مقاله‌های منتخب منتشرشده در نشریه‌های داخلی به ترتیب سال انتشار

سال	نشریه(کد مقاله)	تعداد
۱۳۸۶	صفّه(۱)	۱
۱۳۸۹	هویت شهر(۴)	۱
۱۳۹۲	مطالعات محیطی هفت‌حصار(۱۹)،(۲۰)	۲
۱۳۹۳	مطالعات محیطی هفت‌حصار(۱۵)/مدیریت شهری(۴۳)	۲
۱۳۹۴	علوم و تکنولوژی محیط زیست(۷)/مدیریت شهری(۱۴)،(۴۲)	۳
۱۳۹۵	جغرافیا و آمایش شهری(۲)/جغرافیا و توسعه(۵)/مدیریت شهری(۱۶)/معماری و شهرسازی آرمانشهر(۲۱)/ پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری(۴۴)	۵
۱۳۹۶	جغرافیا و توسعه(۶)/برنامه‌ریزی فضایی(۱۱)،(۳۳)/پژوهش‌های معماری اسلامی(۲۴)/باغ نظر(۳۰)/معماری و شهرسازی پایدار(۳۴)	۶
۱۳۹۷	معماری و شهرسازی آرمانشهر(۲۲)/مدیریت شهری(۲۷)/مطالعات جغرافیایی مناطق خشک(۳۱)/مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی(۳۵)/جغرافیا و پایداری محیط(۳۶)/مرمت و معماری ایران(۳۷)/توسعه محلی(۳۹)	۷
۱۳۹۸	مدیریت شهری(۳)/جغرافیا و برنامه‌ریزی(۹)/اقتصاد و مدیریت شهری(۱۰)/جغرافیا و توسعه فضای شهری(۱۲)/شهر پایدار(۱۳)،(۲۶)،(۴۷)/ پژوهش‌های معماری اسلامی(۲۵)/آمایش محیط(۲۸)/باغ نظر(۳۸)/مطالعات ساختار و کارکرد شهری(۴۰)	۱۱
۱۳۹۹	تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی(۸)/شهر پایدار(۱۷)،(۴۱)،(۴۶)/پژوهش و برنامه‌ریزی شهری(۱۸)/ معماری و شهرسازی آرمانشهر(۲۳)/آمایش محیط(۲۹)/جغرافیا و برنامه‌ریزی(۳۲)/برنامه‌ریزی و آمایش فضا(۴۵)	۹
۱۴۰۰	پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری(۴۸)	۱

تحلیل محتوایی مقاله‌های منتخب: مطابق با بررسی‌ها، پراکنش مقاله‌ها به تفکیک حوزه‌های تخصصی به نسبت مساوی صورت پذیرفته است. به‌گونه‌ای که هر سه رشته «شهرسازی»، «معماری» و «جغرافیا»، هر کدام با ۱۶ مقاله در عرصه پژوهش سرزندگی شهری حضور یافته‌اند[۳۳]. نکته قابل تأمل، توجه رشته‌هایی بجز شهرسازی و گرایش‌های آن به مقوله سرزندگی شهری است که حکایت از اهمیت و بینارشته‌ای بودن این مفهوم دارد. همچنین مقیاس خیابان و پیاده‌راه، با ۱۹ مورد، پرتکرارترین قلمرو پژوهشی در عرصه سرزندگی شهری بوده‌اند(جدول ۶).

جدول ۶- فراوانی قلمرو پژوهشی مقاله‌های منتخب به تفکیک حوزه‌های تخصصی

شهر	خیابان و پیاده‌راه	میدان	محله	فضای باز مسکونی	فضای باز عمومی	پارک	فضای تجاری	بافت
(۱)، (۱۸)، (۲۱)، (۲۹)، (۴۰)	(۲)، (۴)، (۱۲)، (۱۳)، (۱۷)، (۲۲)، (۲۶)، (۳۰)، (۳۱)، (۳۳)، (۳۵)، (۳۶)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۱)، (۴۴)، (۴۶)، (۴۸)	(۴۷)	(۸)، (۱۴)، (۱۵)، (۲۴)، (۲۵)، (۲۷)، (۴۲)، (۴۳)	(۳)، (۲۳)، (۳۴)	(۱۹)، (۲۸)	(۷)، (۱۶)	(۱۱)، (۲۰)	(۵)، (۶)، (۹)، (۱۰)، (۳۲)، (۴۵)
شهرسازی								
۲	۹	۰	۳	۰	۰	۱	۰	۱
معماری								
۰	۳	۰	۰	۳	۲	۱	۲	۰
جغرافیا								
۳	۷	۱	۵	۰	۰	۰	۰	۵

در نوشتار پیش‌رو، مقاله‌های منتخب بر اساس «محوریت پژوهش» که به جهت‌گیری کلی پژوهش نسبت به موضوع «سرزندگی شهری» اشاره دارد به سه طیف «مفهوم‌محور»، «مکان‌محور» و «رفتارمحور» تقسیم گردیده‌اند. منظور از پژوهش «رفتارمحور»، پژوهشی است که مطالعه رفتارهای استفاده‌کنندگان از فضا در روند پژوهش حائز اهمیت بوده و نقشه‌برداری رفتاری صورت پذیرفته است(۴ مقاله). پژوهش‌های «مکان‌محور»، نتیجه‌گیری‌هایشان وابسته به نمونه[های] موردی است(۳۸ مقاله) و پژوهش‌های «مفهوم‌محور»، با هدف تدوین مدل نظری یا تبیین چیستی و شناسایی عوامل و مؤلفه‌های سرزندگی شهری، صورت پذیرفته‌اند(۶ مقاله).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

بررسی‌ها نشان می‌دهد پژوهشگران و چه بسا نشریه‌های علمی داخلی، به پژوهش‌های کمّی، کاربردی و دارای مطالعه موردی نسبت به پژوهش‌های کیفی، بنیادی و مفهوم‌محور، به‌مراتب گرایش بیشتری دارند. به‌گونه‌ای که از میان ۴۸ مقاله، ۳۶ مقاله در تجزیه‌وتحلیل‌هایشان از انواع روش‌های کمّی استفاده کرده‌اند. سهم پژوهش‌های کیفی و ترکیبی به ترتیب ۷ و ۵ مقاله بوده است.

پژوهش‌های داخلی سرزندگی را از نظر محتوا، در چهار طیف می‌توان طبقه‌بندی کرد. طیف اول: پژوهش‌هایی که اثر یک یا چند عامل را بر سرزندگی شهری مورد مطالعه قرار داده‌اند که این طیف شامل بیشترین تعداد مقاله‌ها است(۱۹ مقاله). در بیشتر پژوهش‌های کمّی‌نگر این طیف، محدودیت‌های روش‌شناختی قابل تشخیص است. به این معنا که اغلب فرض شده سرزندگی با «یک عامل» ارتباط دارد. درحالی‌که به‌منظور احراز روابط علت‌ومعلولی، سایر علت‌ها باید رد شوند که با توجه به جامعیت و پیچیدگی مفهوم سرزندگی، چنین فرضی مانع مفهوم‌سازی مناسب سرزندگی گردیده است. همچنین در بیشتر پژوهش‌های مذکور، صِرفِ وجود ارتباط میان یک متغیر یا چند متغیر با سرزندگی مورد بررسی قرار گرفته است. به‌عنوان مثال در مقاله کد (۳۲) در نتیجه‌گیری آمده است: «اثر امنیت بر سرزندگی، برابر با ۰/۲۲۱ و این ضریب تأثیر معنی‌داری دارد». این در حالی است که تأثیر امنیت بر سرزندگی، در بسیاری از مطالعات پیشین و به‌صورت خاص توسط جیکوبز(1961) مورد اشاره بوده است. مطالعاتی از این دست که نتایج آن برآمده از نمونه‌های محدود، نظرسنجی‌های رایج و با نتیجه‌گیری‌های بدیهی یا تکراری می‌باشند سرزندگی را به مثابه «یک کل» که دربردارنده مفاهیم و متغیرهای بی‌شماری است مطالعه و درک نکرده‌اند. اساساً پژوهش‌های این طیف که مبتنی بر شهرسازی آماری صورت پذیرفته‌اند نه تنها در عرصه سرزندگی شهری که در مقیاس کلان‌تر به‌عنوان سهم داشتن در حوزه دانش نیز راهگشا نبوده‌اند. طیف دوم: مطالعاتی که به سنجش سرزندگی شهری نمونه‌های مورد مطالعه‌شان پرداخته‌اند(۱۷ مقاله)، طیف سوم: مطالعاتی که سرزندگی را به‌صورت موازی با موضوعی دیگر مورد بررسی قرار داده‌اند(۶ مقاله) و طیف چهارم: پژوهش‌هایی که ماهیت نظری- بنیادی دارند(۶ مقاله).

بررسی پرتکرارترین منابع: بر اساس بررسی‌ها و مطابق با داده‌های جدول ۷، در میان منابع فارسی، مقاله «عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری» نوشته خستو و رضوانی(۱۳۸۹) و در میان منابع انگلیسی مقاله « Urban vitality: A new source of urban competitions» اثر چارلز لندری(2000) بیشترین میزان استناد را به خود اختصاص داده‌اند. اگرچه در مجموع، کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» اثر جیکوبز(1961)، با ۲۷ استناد، پرتکرارترین منبع به شمار می‌رود. در شمارش منابع، ارجاعات غیرمستقیم نیز لحاظ گردیده‌اند. ارجاع غیرمستقیم، به دو صورت انجام شده بود: ۱) استفاده از محتوای یک منبع، بدون ارجاع به آن، ۲) استفاده از محتوای یک نوشتار بر اساس یک منبع دست‌چندم و ارجاع به آن به‌جای ارجاع به منبع اصلی. تمامی این موارد در صورت شناسایی، در شمارش منابع اصلی لحاظ گردیده است. نکته قابل تأمل، تعدد ارجاعات به واژه‌نامه شهرسازی کوان(2005) است(۱۹ مقاله). با این وجود بیشترِ این پژوهش‌ها در واژه‌شناسی مرتکب خطا شده بودند. چرا که به‌جای استفاده مستقیم از واژه‌نامه مذکور، از منبعی که برگردان و خوانش اشتباه انجام داده بود، بدون تدقیق آن استفاده کرده بودند.

جدول ۷- پرتکرارترین منابع مورد استناد در مقاله‌های منتخب

	عنوان	سال	نگارنده/ مترجم	(کد مقاله)	تعداد
منابع فارسی	عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری	۱۳۸۹	خستو و رضوانی	(۲)،(۵)،(۶)،(۷)،(۹)،(۱۰)،(۱۳)،(۱۴)،(۱۶)،(۱۷)،(۱۸)،(۱۹)،(۲۰)،(۲۲)،(۲۳)،(۲۷)،(۲۸)،(۲۹)،(۳۱)،(۳۲)،(۳۵)،(۳۶)،(۴۰)،(۴۲)،(۴۵)،(۴۷)	۲۶
	تئوری شکل خوب شهر	۱۳۷۶	لینچ/ بحرینی	(۲)،(۴)،(۵)،(۶)،(۷)،(۸)،(۹)،(۱۰)،(۱۱)،(۱۲)،(۱۴)،(۱۵)،(۱۶)،(۲۰)،(۲۵)،(۲۷)،(۲۸)،(۳۰)،(۳۱)،(۳۲)،(۳۳)،(۳۵)،(۴۰)،(۴۳)،(۴۷)	۲۵
	مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری	۱۳۸۶	گلکار	(۲)،(۳)،(۴)،(۶)،(۸)،(۹)،(۱۰)،(۱۱)،(۱۴)،(۱۵)،(۱۶)،(۱۹)،(۲۰)،(۲۱)،(۲۲)،(۲۹)،(۳۰)،(۳۴)،(۳۵)،(۳۶)،(۳۷)،(۴۰)،(۴۱)،(۴۴)،(۴۵)	۲۵
	آفرینش مرکز شهری سرزنده	۱۳۸۹	پامیر/ شکیبامنش و بهزادفر	(۲)،(۴)،(۶)،(۹)،(۱۰)،(۱۱)،(۱۳)،(۱۴)،(۱۵)،(۱۶)،(۱۷)،(۲۰)،(۲۲)،(۲۷)،(۲۸)،(۳۰)،(۳۴)،(۴۱)،(۴۳)،(۴۷)	۲۰

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

	عنوان	سال	نگارنده/ مترجم	(کد مقاله)	تعداد
	مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی	۱۳۸۶	جیکوبز/ افلاطونی و پارسی	(۴)،(۵)،(۶)،(۷)،(۸)،(۱۰)،(۱۱)،(۱۵)،(۱۶)،(۲۷)،(۲۸)،(۳۰) (۳۳)،(۳۵)،(۴۳)،(۴۶)	۱۶
	مبانی نظری و فرایند طراحی شهری	۱۳۸۵	پاکزاد	(۳)،(۴)،(۶)،(۷)،(۹)،(۱۰)،(۱۵)،(۱۹)،(۲۰)،(۲۲)،(۲۳)،(۲۶) (۲۸)،(۳۲)،(۳۶)،(۳۸)	۱۶
منابع انگلیسی	Urban vitality: A new source of urban competitions	۲۰۰۰	چارلز لندری	(۴)،(۵)،(۶)،(۹)،(۱۱)،(۱۴)،(۱۵)،(۱۶)،(۱۷)،(۱۸)،(۱۹)، (۲۰)،(۲۱)،(۲۷)،(۳۰)،(۳۱)،(۳۲)،(۳۴)،(۴۰)،(۴۱)،(۴۲)،(۴۴)	۲۲
	The Dictionary of Urbanism	۲۰۰۵	رابرت کوان	(۱)،(۲)،(۴)،(۶)،(۷)،(۹)،(۱۱)،(۱۴)،(۱۷)،(۲۰)،(۲۲)،(۲۳) (۲۴)،(۳۰)،(۳۲)،(۳۵)،(۳۸)،(۴۱)،(۴۲)	۱۹
	Urban public spaces and vitality: a socio-spatial analysis in the streets of Cypriot towns	۲۰۱۲	جلال‌الدینی و اُکتای	(۲)،(۱۱)،(۱۳)،(۱۷)،(۱۹)،(۳۴)،(۳۵)،(۳۶)،(۳۹)،(۴۰) (۴۱)،(۴۳)،(۴۴)،(۴۵)،(۴۷)،(۴۸)	۱۶
	Making a city: Urbanity, vitality and urban design	۱۹۹۸	مونت‌گمری	(۱۰)،(۱۱)،(۱۲)،(۱۵)،(۱۸)،(۲۸)،(۳۰)،(۳۹)،(۴۱)،(۴۳) (۴۴)،(۴۵)،(۴۶)	۱۳
	The Death and Life of Great American Cities.	۱۹۶۱	جین جیکوبز	(۱۳)،(۱۴)،(۱۷)،(۱۹)،(۲۱)،(۲۲)،(۳۴)،(۳۶)،(۳۷)،(۳۹)،۴۱)	۱۱
	Livable streets	۱۹۸۱	دانلد اپلیارد	(۱)،(۱۰)،(۱۱)،(۲۳)،(۳۶)،(۳۸)،(۴۰)،(۴۱)،(۴۳)	۹

بررسی شیوه استناد: در برخی از منابع، اشکالاتی در شیوه ارجاع‌دهی شناسایی گردید که در چهار گروه اصلی قابل طبقه‌بندی است:

۱) ارجاع درون‌متنی، در فهرست منابع پایانی درج نگردیده است.

۲) منبع درج‌شده در فهرست پایانی، در متن مقاله، مورد استناد قرار نگرفته است.

۳) از بخش[هایی] از یک یا چند مقاله استفاده شده اما مستندسازی صورت نپذیرفته است.

۴) در متن مقاله، هم به منبع ترجمه‌شده و هم نسخه اصلی آن ارجاع داده شده و همسان‌سازی میان منابع یکسان انجام نشده است. این مورد حاوی این نکته است که مطالب، برگرفته از منابع دست‌چندم بوده و پژوهشگر هیچ‌یک از منابع اصلی یا ترجمه‌شده را به‌صورت مستقیم مطالعه نکرده است.

خوانش‌های پژوهش‌های داخلی از سرزندگی شهری: خوانش‌ها را می‌توان بر اساس رشته‌های تخصصی، طبقه‌بندی و مطالعه کرد. بر این اساس، خوانش رشته «معماری»- مطابق با داده‌های جدول ۶- بیشتر بر مبنای توجه به فضاهای باز عمومی، با ماهیتی نزدیک به فضاهای گمشده(به‌عنوان مثال مقاله کد (۱۹) محدوده اطراف یک پارکینگ عمومی را مورد مطالعه قرار داده است)، فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی و فضاهای تجاری(بازار سنتی یا مجتمع تجاری مدرن) شکل گرفته است. این مسئله، اهمیت توجه به «مقیاس» را در خوانش‌های سرزندگی شهری بیش از پیش نمایان می‌سازد. این‌که آیا اساساً تمامی فضاهای باز موجود در شهر، پتانسیل سرزنده‌بودن را دارا هستند؟ به بیان دیگر آیا هستی‌پذیری سرزندگی در تمامی فضاها و مکان‌های شهری ضرورت دارد؟ اگرچه واکاوی این مسئله، می‌تواند موضوع پژوهش دیگری باشد اما محتملاً یک فضای باز در مقیاس مسکونی یا محله‌ای، بیشتر نیاز به آرام‌سازی دارد تا پویایی و تحرک. همان‌گونه که گل(2010)، اشاره کرده سرزندگی شهری و آرامش هر دو از کیفیت‌های شهری مطلوب و ارزشمند هستند. به‌گونه‌ای که ترکیبی از فضاهای سرزنده و آرام در شهرها مورد نیاز است. می‌توان گفت هرچه از مقیاس کلان(شهر و فضاهای شهری مانند خیابان و میدان) به سمت خرد(محله‌های مسکونی و فضاهای باز آن) حرکت می‌کنیم حفظ و دستیابی به آرامش اهمیت بیشتری می‌یابد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد ضرورت دستیابی به سرزندگی هرچه بیشتر در فضاهای باز مسکونی به‌مثابه یک هدف آرمانی که عموماً از سوی متخصصین معماری مورد توجه بوده، در پژوهش‌های آتی این عرصه مورد بازنگری قرار گیرد. از دیگر سو، میزان اهمیت سرزندگی و نحوه بروز آن در محدوده یک مجتمع تجاری و مرکز خرید-که آن هم مورد توجه رشته معماری بوده است-با یک فضای باز شهری مانند میدان یا خیابان، متفاوت خواهد بود. اساساً میان سرزندگی و ازدحام تفاوت وجود دارد و هر تجمع و حضور گسترده‌ای را نمی‌توان و نباید سرزندگی خواند. سرزندگی در

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

پژوهش‌های «شهرسازی» بیشتر در مقیاس خیابان و پیاده‌راه تجسم یافته است. نکته قابل تأمل، حضور کم‌رنگ میدان‌های شهری در پژوهش‌های داخلی است. اگرچه این مسأله ناشی از کمبود میدان‌های واقعی(با اولویت حضور پیاده‌ها) در شهرهای ایرانی است اما ضروری است مطالعات امکان‌سنجی پیاده‌مدارسازی با هدف ارتقای سرزندگی شهری در ارتباط با میدان‌های شهری مورد توجه قرار گیرد. مقیاس بافت نیز، به‌صورت مجموعه‌ای از محله‌ها، عموماً مورد توجه رشته جغرافیا بوده است. خوانش پژوهش‌های «جغرافیا» از سرزندگی شهری، مشابه با «خوانش لینچی» است. با این تفاوت که لینچ، در خوانشی غیررایج، «vitality» را در معنای «زیست‌پذیری» و در راستای اهداف پژوهشی خود تفسیر کرده و به کار برده است؛ اما پژوهش‌های مذکور به‌دلیل برگردان‌های اشتباه دو واژه «livability» و «viability» به سرزندگی(عدم آگاهی از معادل‌های دقیق) در خوانش و مفهوم‌سازی سرزندگی از بسیاری از منابع زیست‌پذیری استفاده کرده‌اند. اگرچه این خوانش‌های ناصحیح منحصر به پژوهش‌های جغرافیا نبوده و بیشترِ پژوهش‌های دو حوزه دیگر نیز این خطا را به‌گونه‌ای سیستماتیک و تکرارشونده مرتکب گردیده‌اند.

بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته، کمتر پژوهشی از پژوهش‌های داخلی به ارائه تعریف از سرزندگی شهری پرداخته و تعاریف عموماً برآمده از منابع دیگر می‌باشند. در این میان پاکزاد(۱۳۹۸)، سرزندگی را به‌صورت عام «احساسی از درک زندگی، فعالیت و تداوم حیات یک پدیده» تعریف کرده و به‌صورت خاص آن را در مقیاس فضاهای شهری جست‌وجو کرده است: «فضای شهری سرزنده، فضایی است که در آن افراد مختلف در حال فعالیت(از نوع اختیاری یا اجتماعی) و جنب‌وجوش می‌باشند». در این خوانش، سرزندگی شهری برآمده از گونه‌شناسی مشهور گل(1987) در رابطه با فعالیت‌های شهری، تبیین گردیده است. همچنین گلکار(۱۳۸۶)، سرزندگی را در کنار شانزده کیفیت دیگر، «یکی از مؤلفه‌های سازنده کیفیت کلی طراحی شهری یک محیط» نامیده است. در تقابل با این خوانش و مطابق با خوانش نوشتار پیش‌رو، شانزده کیفیت مورد نظر گلکار ازجمله «خوانایی»، «غنای حسی»، «ایمنی و امنیت»، «نفوذپذیری و حرکت»، «شخصیت بصری» و... می‌توانند در ذیل «چتر جامعیتِ» سرزندگی قرار گیرند. به‌عبارت دیگر انتظار می‌رود یک فضای شهری سرزنده در حالت کلی واجد بیشتر کیفیت‌های مورد اشاره باشد. این کیفیت‌ها در صورت وجود در یک فضای شهری، آن را به فضایی «دعوت‌کننده» و «حضورپذیر» تبدیل خواهد کرد که نتیجه آن بروز و ظهور سرزندگی در آن فضا خواهد بود. از این منظر و در راستای خوانش نوشتار پیش‌رو می‌توان سرزندگی شهری را به‌مثابه یک کل، «کیفیت جامع فضای شهری» یا «چشم‌انداز آرمانی و کمال مطلوب طراحی شهری خوب» نامید چرا که اساساً ماهیت دانش طراحی شهری به ارتقای کیفیت فضاهای باز عمومی دلالت دارد.

در ادامه به‌منظور شفاف‌سازی و تصحیح اشتباهات پرتکرار پژوهش‌های پیشین و درک میزان اهمیت به‌کارگیری هر مفهوم در جای مناسب خود، به تعدادی از خوانش‌های ناصحیح متعدد، برآمده از برگردان‌های اشتباه دو واژه «Vitality»و «Livability» و استفاده از یکی به جای دیگری در پژوهش‌های داخلی اشاره می‌گردد(جدول ۸).

جدول ۸- نمونه‌هایی از برگردان‌های اشتباه و خوانش‌های ناصحیح در مقاله‌های مورد بررسی

(کد مقاله)	متن انتخابی
(۱)،(۲۰)،(۳۶)	«آنچه در ادبیات تخصصی طراحی شهری در مورد سرزندگی از سال ۱۹۸۱ با انتشار اثر کلاسیک دانلد اپلیارد مطرح شده است، عمدتاً حول مفهوم livability است.»
(۶)	«در شهر سرزنده، اجزای کالبدی و اجتماعی در جهت سلامت و پیشرفت جامعه و هر فرد عضو آن جامعه، باهم کار می‌کنند(تیمر و سیمور ۱۳۸۹، ۳۶).»
(۱۱)،(۳۸)،(۴۸)	«رابرت کوان در دیکشنری شهرسازی، سرزندگی را مناسب برای زندگی و فراهم‌آورنده کیفیت زندگی مطلوب، تعریف می‌کند.»
(۱)،(۳۸)،(۴۸)	«سرزندگی در ابتدا در ادبیات تخصصی طراحی شهری، در اثر کلاسیک دانلد اپلیارد در سال ۱۹۸۱ با نام خیابان‌های سرزنده مطرح شد.»
(۴۳)	«دانلد اپلیارد(۱۹۸۲) در تعریف سرزندگی یا قابل زندگی بودن شهر بیان می‌کند...»
(۳۰)،(۳۵)،(۴۰)	«سالزانو با انتشار «هفت هدف برای نیل به شهر سرزنده» عوامل مؤثر بر سرزندگی را هویت، وجود زندگی اجتماعی در شهر، خوشبختی و پیشرفت اجتماع و اشخاص و پایداری اکولوژیکی می‌داند.»
(۱۷)	«یاسین(۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان شهر سرزنده، رویکردی برای پیاده‌مدار کردن با هدف افزایش سرزندگی در هسته مرکزی شهر...»[۳۴]
(۱۶)،(۳۱)	«سرزندگی را می‌توان معادل واژگانی مانند livability و viability دانست.»
(۳۰)	«هانری لنارد در کتاب سرزنده‌سازی شهرها[۳۵] در سال ۱۹۹۷...»

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

(کد مقاله)	متن انتخابی
(۱۷)	«vitality، مفهوم زیست‌پذیری و زندگی‌پذیری فضاهای شهری را می‌رساند.»
(۱۰)	«بدلند و پیرس(۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان سرزنده برای چه کسی؟ چشم‌اندازهای سرزندگی شهری برای رفع نابرابری‌های بهداشتی با روشی کیفی به تبیین سرزندگی پرداخته‌اند. در پایان این نتیجه به دست آمد که سرزندگی شهری می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای کاهش نابرابری‌ها و ارتقای سلامت شهری مدنظر قرار گیرد.»[۳۶]
(۴۷)	«سرزندگی در مفهوم کلی، به خودکفایی، پایداری، سازگاری، انعطاف‌پذیری، ظرفیت برای تغییر، خودسازی، مسئولیت و امنیت مربوط می‌شود(Sci, 2014: 368).»[۳۷]
(۴۰)	«گیپ در تحقیق خود بیان می‌دارد که مبانی سرزندگی عموماً معادل توسعه پایدار می‌باشد.»

تمامی واژه‌های «سرزندگی» و «سرزنده» مندرج در جدول ۸، باید به «زیست‌پذیری» و «زیست‌پذیر» تغییر یابند. مطابق با بررسی‌های صورت‌گرفته، در ۳۹ مقاله، خوانش‌های ناصحیح(چه در واژه‌شناسی، چه در استفاده از متون زیست‌پذیری به‌جای سرزندگی)، آمیختگی‌های مفهومی و تحریف‌های معنایی شناسایی گردید. به‌عنوان مثال در متن انتخابی از مقاله کد (۴۷)، در نگاه اول، با توجه به کلیدواژه‌هایی مانند «خودکفایی»، «پایداری» و «ظرفیت برای تغییر»، می‌توان حدس زد که مفهوم مورد نظر، «زیست‌پذیری» باشد. در مرحله بعد، پس از بررسی این گزاره در مقاله اصلی[۳۸] مشخص گردید، واژه معادل سرزندگی در این عبارت، «viability» بوده که نگارندگان ایرانی مقاله اصلی، آن را به اشتباه در تبیین سرزندگی به کار برده‌اند. یا در گزاره انتخابی از مقاله کد (۴۰)، منظور نگارنده مقاله اصلی[۳۹] زیست‌پذیری و توسعه پایدار بوده است. اساساً تا به امروز کمتر پژوهشی به شناسایی ارتباط میان سرزندگی و پایداری مبادرت ورزیده است. اما در پژوهش‌های داخلی، ادبیات نظری متعددی مبنی بر وجود ارتباط میان دو کلیدواژه مذکور، تنها به خاطر یک برگردان اشتباه شکل گرفته است. مقوله برگردان‌های اشتباه از این منظر حائز اهمیت است که بسیاری از پژوهش‌ها در پژوهش‌های بعد از خود مورد استناد قرار گرفته‌اند و در نتیجه، این خطای پژوهشی طی نزدیک به دو دهه که از عمر مطالعات سرزندگی شهری در ایران می‌گذرد در مقیاسی گسترده تکثیر گردیده و عرصه نظری پژوهش‌های داخلی سرزندگی شهری را با آشفتگی‌هایی دوچندان روبرو گردانیده است. از دیگر سو، یک برگردان اشتباه، معناکاوی و ردیابی دقیق پیشینه یک مفهوم(به‌عنوان مثال ارجاعات اشتباه در پیشینه سرزندگی به اپلیارد)، همچنین تبیین معیارها و شاخص‌های آن را دچار اشکال می‌کند.

خوانش پژوهش پیش‌رو از سرزندگی شهری: سرزندگی شهری در این نوشتار مطابق با آنچه در جمع‌بندی بخش مبانی نظری، تبیین گردید تحت عنوان «فرامفهوم» یا «اَبَرمفهوم» خوانده می‌شود. بر این اساس برخلاف بیشتر خوانش‌های معاصر داخلی، دارای هویتی مستقل از «زیست‌پذیری» است. همچنین برخلاف بیشتر خوانش‌های پژوهش‌های خارجی ازجمله جیکوبز و بردشاو، تنها برآمده یا تحت تأثیر یک عامل مانند «تنوع شهری» نیست بلکه دربردارنده زیرمفاهیمی است که هریک از این زیرمفاهیم، خود از طریق شاخص‌ها و متغیرهای متعددی نیازمند مطالعه و تبیین می‌باشند. در واقع، «تنوع شهری» را بایستی به‌عنوان یکی از زیرمفاهیم مرئی و عینی سرزندگی، طبقه‌بندی نمود. بر مبنای خوانش نوشتار پیش‌رو، می‌توان «فرامفهوم سرزندگی شهری» را به‌مثابه «یک کل» در قالب یک کوه یخ بازنمایی و مفهوم‌سازی کرد که بخش‌های اعظم آن از نظر پژوهشگران علوم شهری پنهان مانده است(تصویر ۴). همان گونه که اغلب تا ۹۰ درصد از سازه عظیم یک کوه یخ در زیر آب پنهان است بخش بزرگی از سرزندگی شهری–در نتیجه نگرش‌های ساده‌انگارانه به این فرامفهوم–پنهان مانده که نمی‌توان و نباید آن را نادیده گرفت. به بیان دیگر سرزندگی شهری دارای عناصری قابل مشاهده و در مقابل، بخش‌های پنهان‌مانده بسیاری است. بخش قابل مشاهده(نوک کوه یخ)، تحرک و پویایی ناشی از عناصر انسانی و تنوع فعالیتی، زندگی شهری جاری در فضاهای شهری و تعامل و تقابل شهروندان در این فضاها با یکدیگر می‌باشد که به تعبیر نوشتار پیش‌رو، «پرسونای سرزندگی»[۴۰] نامیده می‌شود. بخش پنهان‌مانده دربردارنده چهار لایه است. بخش بزرگ این کوه یخ که در زیر آب قرار گرفته، آنچه در سطح آب قابل مشاهده است را تعیین کرده و شکل می‌دهد. هرچه به سمت لایه‌های پایین‌تر پیش می‌رویم ابزارهای بیشتری برای تغییر در کل سیستم خواهیم یافت. در تطابق ایده مذکور با سرزندگی شهری، لایه نامرئی اول دربردارنده شاخص‌های «کیفیت زندگی» است. لایه نامرئی دوم که در ارتباط مستقیم با لایه پیشین قرار دارد به «کیفیت محیطی» و عناصر سازنده آن مرتبط است. لایه پنهان مانده سوم به زیرساخت‌های نرم، برنامه‌ها و تقویم فرهنگی، سیستم‌های مدیریت یکپارچه فضاهای شهری اشاره دارد که «مدیریت سرزندگی» خوانده می‌شود. در نهایت ژرف‌ترین لایه، نظام ارزشی– فرهنگی، شیوه‌های حکمروایی یک جامعه و نیروهای اجتماعی و تغییرات اقتصادی است که تمامی لایه‌های نامرئی دیگر و لایه بیرونی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که «نیروهای هدایتگر سرزندگی» نامیده می‌شود. به بیان دیگر این نیروها برآمده از هم‌سویی ترجیحات و علایق جامعه با مکانیسم‌های مدیریت جامعه است که هر اندازه این دو اهرم در یک راستا عمل کنند سرزندگی شهری تداوم و ماندگاری

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

بیشتری خواهد یافت و مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از تجربیات و خاطره‌های جمعی را برای شهروندان شکل خواهد داد. بنابراین ضروری است لایه‌های نامرئی چهارگانه در کنار لایه مرئی اول به‌گونه‌ای به‌هم‌مرتبط و به‌مثابه «یک کل» مورد مطالعه قرار گیرند.

تصویر ۴- مدل نظری فرامفهوم سرزندگی شهری در قالب کوه یخ

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش پیش‌رو تلاش داشته از طریق بررسی خوانش‌های پژوهش‌های داخلی و خارجی، به ارائه خوانشی نو از سرزندگی شهری در تطابق با ماهیت و اهمیت آن نائل آید. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد سرزندگی[شهری] ماهیتی پویا[41] دارد؛ به‌گونه‌ای که در زمان‌ها و زمینه‌های گوناگون می‌تواند طیفی از برداشت‌ها و خوانش‌های متعدد را در بر گیرد. به نظر می‌رسد این مورد ناشی از نظام‌های سیاسی- ارزشی متفاوت، زمینه‌های فرهنگی- اجتماعی مختلف و شرایط جغرافیایی-اقلیمی گوناگون باشد. از دیگر سو عدم وجود انسجام نظری و فقدان مفهوم‌سازی مناسب در رابطه با سرزندگی شهری را می‌توان مرتبط با وجود خوانش‌های متعدد دانست و دلایل آن را در قالب موارد زیر دسته‌بندی کرد:

- ✓ استفاده از معادل‌های متعدد به‌عنوان مترادف در متون تخصصی خارجی
- ✓ گستره شمول سرزندگی که به‌مثابه یک چتر، بر مفاهیم متعددی سایه افکنده است
- ✓ عدم‌وجود تعاریف صریح و روشن از سرزندگی در بسیاری از پژوهش‌ها
- ✓ فقدان نظریه مسلط یا توضیح دقیق علمی
- ✓ بینارشته‌ای بودن مفهوم سرزندگی

در پژوهش حاضر خوانش‌ها پیرامون سرزندگی شهری در سه سطح طبقه‌بندی گردید: ۱)خوانش پژوهش‌های خارجی، ۲) خوانش پژوهش‌های داخلی و ۳) خوانش نوِ پژوهش پیش‌رو. بر این اساس، سرزندگی شهری در پژوهش‌های خارجی در چهار مقیاس مورد توجه بوده است: «شهر»، «مرکز شهر»، «فضای شهری» و «مکان شهری». در کلان‌ترین مقیاس یعنی شهر، خوانش‌ها از سرزندگی شهری، در برخی موارد در هم‌نشینی با «زیست‌پذیری» صورت پذیرفته است. خوانش‌های اخیر پژوهش‌های مذکور، هم‌سو با خوانش نگره‌پرداز اصلی آن، جین جیکوبز، مبتنی بر نگرش‌های اجتماعی به شهر و فضاهای شهری دنبال می‌شود. تا آنجا که طی دو دهه گذشته بازخوانی مفهوم سرزندگی به‌عنوان مفهومی هم‌نشین با «زیست‌پذیری» بسیار کم‌رنگ گردیده است. در مقابل، خوانش‌های مبتنی بر نگرش اجتماعی با تأکید بیشتر بر فضای شهری به‌عنوان یک «فضای اجتماعی» مورد توجه قرار گرفته است. از دیگر سو در بیشتر خوانش‌های پژوهش‌های خارجی، رویکردی تک‌بُعدی و غیرجامع‌نگر قابل تشخیص است. به این معنا که هریک از منظری خاص یا با تأکید بیشتر بر «یک عامل»، سرزندگی را تبیین کرده‌اند. می‌توان گفت در این خوانش‌ها «جامعیت» سرزندگی شهری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در نقطه مقابل در بیشتر پژوهش‌های داخلی، خوانش‌هایی اشتباه رواج یافته که عموماً برآمده از برگردان‌های ناصحیح معادل‌های انگلیسی و عدم توجه کافی به اهمیت فرایند «واژه‌شناسی» است. این مقوله به تحریف معنایی یا قلب ماهیت سرزندگی شهری و درهم‌آمیزی لفظی و معنایی آن با «زیست‌پذیری» در

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

بیشتر خوانش‌های معاصر داخلی انجامیده است. این مقوله استفاده از ادبیات نظری شکل‌گرفته در پژوهش‌های داخلی سرزندگی شهری را به حرکت در میدان مین، همانقدر خطیر و دشوار تبدیل کرده است. به‌گونه‌ای که در صورت بروز کوچکترین کم‌دقتی از سوی پژوهشگران، همچنان به شکل‌گیری نوشتارهایی گرفتار «پریشان‌خوانی»[۴۲] خواهد انجامید. بررسی خوانش‌های داخلی به تفکیک سه رشته تخصصی «شهرسازی»، «معماری» و «جعرافیا» صورت پذیرفت. در هر سه رشته، «خیابان و پیاده‌راه» بیش از سایر قلمروهای پژوهشی مورد توجه بوده است. بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته، می‌توان گفت «مقیاس» در مطالعات سرزندگی حائز اهمیت است به‌گونه‌ای که هرچه از مقیاس کلان(شهر و فضاهای شهری مانند خیابان و میدان) به سمت خرد(محله‌های مسکونی و فضاهای باز آن) حرکت می‌کنیم از ضرورت ایجاد و ارتقای سرزندگی شهری کاسته شده و در مقابل حفظ و دستیابی به آرامش اهمیت بیشتری می‌یابد. خوانش پژوهش‌های «جغرافیا» از سرزندگی شهری، مشابه با «خوانش لینچی» است. با این تفاوت که لینچ، در خوانشی غیررایج، «vitality» را در معنای «زیست‌پذیری» به - کار برده است؛ اما پژوهش‌های مذکور به‌دلیل برگردان‌های اشتباه دو واژه «livability» و «viability»، در تبیین سرزندگی از بسیاری از منابع زیست‌پذیری استفاده کرده‌اند. اگرچه این خوانش‌های ناصحیح منحصر به پژوهش‌های «جغرافیا» نبوده و در پژوهش‌های «شهرسازی» و «معماری» نیز صورت پذیرفته است. پژوهش پیش‌رو به‌منظور اصلاح روند جاری، به‌ترتیب سه واژه «Vitality»، «Liveliness» و «Vibrancy» را به‌عنوان صحیح‌ترین معادل‌ها با نزدیکی بسیار به مفهوم مورد انتظار از واژه «سرزندگی» در زبان پارسی معرفی می‌نماید.

نتایج نشان می‌دهد به‌منظور خوانا کردن سرزندگی شهری ضروری است آن را با رویکردی کل‌نگر و به‌مثابه «یک کل» بررسی نماییم. همان-گونه که با گوش دادن به نُت‌های یک سمفونی به‌صورت مجزا، قادر به تشخیص و درک کلیت آن سمفونی نیستیم؛ سرزندگی شهری نیز دارای کیفیت ترکیبی منحصربه‌فردی است که با مجموع کیفیت‌های تشکیل‌دهنده خود متفاوت است. این کلِ منسجم، فراتر از جمع جبری اجزای آن است و معنایی تازه و متفاوت با معانی تک‌تکِ اجزای خود، خلق می‌کند. معنایی در دلالت بر جنب‌وجوش، حرکت، پویایی و روح زندگی. مطابق با خوانش نوشتار پیش‌رو، سرزندگی شهری یک فرامفهوم یا اَبَرمفهوم است که دربردارنده زیرمفاهیمی مانند «تنوع شهری»، «زندگی فعال خیابانی» و... می‌باشد. هریک از این زیرمفاهیم، خود از طریق شاخص‌های متعددی نیازمند مطالعه و تبیین می‌باشند. بر این اساس «فرامفهوم سرزندگی شهری» چتر جامعیتش را بر تمام کیفیت‌های فضایی موجود در یک محیط شهری ازجمله «خوانایی»، «غنای حسی»، «نفوذپذیری»، «شخصیت بصری»، «انعطاف‌پذیری» و... می‌گستراند؛ مجموعه این کیفیت‌ها در صورت وجود در هر فضای شهری، آن را به فضایی «دعوت‌کننده» و «حضورپذیر» تبدیل خواهد کرد که نتیجه آن بروز و ظهور سرزندگی در آن فضا خواهد بود. به‌عبارت دیگر، سرزندگی شهری مطابق با خوانش نوِ پژوهش پیش‌رو، کیفیت جامع فضای شهری یا چشم‌انداز آرمانی و کمال مطلوب طراحی شهری خوب خوانده می‌شود. به‌منظور کمک به انسجام‌بخشی نظری می‌توان فرامفهوم سرزندگی شهری را در قالب «یک کوه یخ با لایه‌های پنجگانه» تبیین و مفهوم‌سازی کرد. بر این اساس، بخش قابل مشاهده(نوک کوه یخ)، تحرک و پویایی ناشی از عناصر انسانی و تنوع فعالیتی، زندگی شهری جاری در فضاهای شهری و تعامل و تقابل شهروندان در این فضاها با یکدیگر می‌باشد که به تعبیر نوشتار پیش‌رو، «پرسونای سرزندگی» نامیده می‌شود. بخش پنهان‌مانده شامل چهار لایه است: لایه نامرئی اول دربردارنده شاخص‌های «کیفیت زندگی» مانند سرزندگی فردی، رضایت از زندگی، امکان تعامل معنادار با جامعه و... می‌باشد. لایه نامرئی دوم که در ارتباط مستقیم با لایه پیشین قرار دارد به «کیفیت محیطی» و عناصر سازنده آن مرتبط است(ر.ک تصویر ۴). لایه پنهان مانده سوم به زیرساخت‌های نرم، برنامه‌ها و تقویم فرهنگی، سیستم‌های مدیریت فضاهای شهری اشاره دارد که «مدیریت سرزندگی» خوانده می‌شود. در نهایت ژرف‌ترین لایه، «نیروهای هدایتگر سرزندگی» یعنی نظام ارزشی–فرهنگی، شیوه‌های حکمروایی جامعه و نیروهای اجتماعی و تغییرات اقتصادی است که تمامی لایه‌های نامرئی دیگر و لایه بیرونی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بر اساس خوانش نوشتار پیش‌رو و برخلاف عمده پژوهش‌های غیرجامع‌نگر داخلی و خارجی، تصریح می‌گردد سرزندگی شهری نیازمند رویکرد مطالعاتی «کل‌نگر» و پذیرش آن به‌عنوان یک «فرامفهوم» به‌منظور درک ژرف و مفهوم‌سازی مناسب است. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد:

- ✓ به‌منظور تبیین، خوانش و بازخوانی این فرامفهوم، پارادایم‌های پژوهش کیفی در اولویت قرار گیرند.
- ✓ بررسی سرزندگی ذهنی افراد، به‌عنوان مکمل در پژوهش‌هایی که به سنجش سرزندگی شهری می‌پردازند؛ مورد توجه قرار گیرد. این مقوله می‌تواند تحلیل گفتمان‌های سرزندگی در سطح جامعه و ارتباطات بینافردی را امکان‌پذیر سازد.
- ✓ به‌منظور تحدید شکاف نظری پژوهش‌های عرصه داخلی و عدم تکرار خوانش‌های ناصحیح پیشین، تنها سه واژه پیشنهادی در بالا در جست‌وجوی منابع انگلیسی مورد توجه قرار گیرد.
- ✓ در استفاده از «خوانش لینچی» در پژوهش‌های آتی سرزندگی شهری(به‌ویژه در تبیین معیارها و شاخص‌ها) تجدید نظر صورت پذیرد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

پی‌نوشت‌ها

1. conceptualization
2. Sung & Lee
3. Sternberg
4. commodification
5. Chion
6. Harvey
7. Castells
8. Lefebvre
9. Dale, Ling & Newman

۱۰. این نام اختصاری برگرفته از حروف ابتدایی هر یک از شاخص‌های ده‌گانه است.

۱۱. برای واژه «vitality»، بجز موارد مورد اشاره، مترادف‌های متعدد دیگری در واژه‌نامه‌های انگلیسی آمده است. از جمله: «vigorousness»، «robustness»، «sprightliness»، «lustiness» و «animation» که با تدقیق آن‌ها بر اساس متون تخصصی، تنها، واژه‌های مصطلح و پرکاربرد در ادبیات شهرسازی، به‌عنوان معادل‌های سرزندگی در جدول ۱ مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

12. liveliness
13. Stern
14. fundamental dynamic pentad
15. movement
16. force
17. intention
18. connotation
19. denotation
20. Voloshinov

۲۱. سازمانی بین‌دولتی با ۵۴ کشور عضو است که به‌عنوان یک اتاق فکر استراتژیک با هدف کمک به شکل‌دهی سیاست‌های حمل‌ونقل در سطح بین‌المللی و حصول اطمینان از کمک به رشد اقتصادی و حفاظت از محیط زیست فعالیت می‌کند.

22. sojourning
23. Szalai
24. lively
25. lifeless
26. meta concept
27. umbrella term
28. chronological

۲۹. در بررسی کرونولوژیک، دیدگاه‌های لندری و بردشاو، در دهه ۱۹۹۰، مطابق با زمان اولین انتشار پژوهش‌هایشان، طبقه‌بندی گردیده است.

30. Phillip Mayring
31. Preferred Reporting Items for Systematic Reviews(PRISMA)
32. SID

۳۳. یک مقاله مربوط به رشته مرمت، جزو رشته معماری طبقه‌بندی گردیده است.

34. Yassin, H. H. (2019). Livable city: An approach to pedestrianization through tactical urbanism. *Alexandria Engineering Journal*, 58(1), 251-259.

۳۵. عنوان اصلی کتاب، «Making Cities Livable» می‌باشد.

36. Badland, H., & Pearce, J. (2019). Liveable for whom? Prospects of urban liveability to address health inequities. *Social science & medicine*, *232*, 94-105.

۳۷. ارجاع درون‌متنی منبع اشتباه صورت پذیرفته است. مقاله‌های دیگری نیز، بدون تدقیق منبع اصلی، این اشتباه را تکرار کرده بودند.

38. Rastegar, N., Ahmadi, M., & Malek, M. (2014). Factors affecting the vitality of streets in downtown Johor Bahru city. *Indian Journal of Scientific Research*, 7(1), 361-374.

39. Giap, T. K., Thye, W. W., & Aw, G. (2014). A new approach to measuring the liveability of cities: the Global Liveable Cities Index. *World Review of Science, Technology and Sustainable Development*, *11*(2), 176-196.

۴۰. به معنای نمود بیرونی و جلوه سرزندگی است که نمایانگر فرم، نحوه و شدت بروز آن است.

41. dynamic
42. Dyslexia

منابع

- آریان‌پور، ع. (۱۳۶۹). *فرهنگ کامل انگلیسی فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- انوری، ح. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، انتشارات سخن.
- پاکزاد، ج. (۱۳۹۸). جستاری پیرامون مفهوم و جایگاه سرزندگی، *گفتمان طراحی شهری*، ۱(۱)، ۴۵-۵۳.
- دهخدا، ع.ا. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- ذوعلم، ع. (۱۳۸۴). تأملی در مفهوم «چالش»، *ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر*، ۳۶، ۳۴-۳۷.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

- عمید، ح. (۱۳۶۳). *فرهنگ فارسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گلکار، ک. (۱۳۸۵). نشاط و سرزندگی در شهر به کمک طراحی شهری، *شهرنگار*، ۳۹، ۲۴-۲۸.
- گلکار، ک. (۱۳۸۶). مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری، *فصلنامه علمی-پژوهشی صفه*، ۱۶(۴۴)، ۶۶-۷۵.
- Bradshaw, M. (2005). Variety and vitality. In D. Chapman(Ed.), *Creating neighbourhoods and places in the built environment*, (113-134), Taylor & Francis e-Library.
- Castells, M., 1979, *The Urban Question: A Marxist Approach*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Chion, M. (2009). Producing urban vitality: The case of dance in San Francisco. *Urban Geography*, 30(4), 416-439.
- Cowan, R. (2005). *The dictionary of urbanism* illustrated by Lucinda Rogers, streetwise Press.
- Dale, A., Ling, C., & Newman, L. (2010). Community vitality: The role of community-level resilience adaptation and innovation in sustainable development. *Sustainability*, 2(1), 215-231.
- Gehl, J. (1987). *Life between buildings* (Vol. 23). New York: Van Nostrand Reinhold.
- Gehl, J. (2010). *Cities for people*. Island press.
- Government of South Australia. (2013). *Adelaide after dark, Adelaid*e. Retrieved from http://assets.yoursay.sa.gov.au/production/2014/08/20/07_29_42_666_Vibrant_Cities_SOG.PDF
- Harvey, D., 1973, *Social Justice and the City*. London, UK: Edward Arnold.
- Holland, C., Clark, A., Katz, J., & Peace, S. (2007). *Social interactions in urban public places*. Joseph Rowntree Foundation, York.
- ITF (2012), *Pedestrian Safety, Urban Space and Health*, OECD Publishing.
- Jacobs, J., (1961). *The Death and Life of Great American Cities*. Vintage, New York.
- Karras, J. (2015). *The 10 Traits of VIBRANT Cities, Urban scale*. Retrieved from http://urbanscale.com/ebook/
- Kohlbacher, F. (2006). The use of qualitative content analysis in case study research. In *Forum Qualitative Sozialforschung/Forum: Qualitative Social Research* (Vol. 7, No. 1, pp. 1-30). Institut für Qualitative Forschung.
- Landry, C. (2008). *The creative city: A toolkit for urban innovators*. Routledge.
- Lefebvre, H., 1991, *The Production of Space*. Oxford, UK, and Cambridge, MA: Blackwell.
- Liu, S., Zhang, L., & Long, Y. (2019). Urban vitality area identification and pattern analysis from the perspective of time and space fusion. *Sustainability*, 11(15), 4032.
- Lopes, M. N., & Camanho, A. S. (2013). Public green space use and consequences on urban vitality: An assessment of European cities. *Social indicators research*, 113(3), 751-767.
- Lynch, K. (1981). Good city form. MIT press.
- Mehta, V. (2007). Lively streets: Determining environmental characteristics to support social behavior. *Journal of planning education and research*, 27(2), 165-187.
- Montgomery, J. (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban design. *Journal of urban design*, 3(1), 93-116.
- Quinn, B. (2005). Arts festivals and the city. *Urban studies*, 42(5-6), 927-943.
- Ravenscroft, N. (2000). The vitality and viability of town centres. *Urban studies*, 37(13), 2533-2549.
- Shi, J., Miao, W., Si, H., & Liu, T. (2021). Urban Vitality Evaluation and Spatial Correlation Research: A Case Study from Shanghai, China. *Land*, 10(11), 1195.
- Stern, D. N. (2010). *Forms of vitality: Exploring dynamic experience in psychology, the arts, psychotherapy, and development*. Oxford University Press.
- Sternberg, E. (2000). An integrative theory of urban design. *Journal of the American Planning Association*, 66(3), 265-278.
- Stevenson, A. (Ed.). (2010). *Oxford dictionary of English*. Oxford University Press, USA.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

- Sung, H., & Lee, S. (2015). Residential built environment and walking activity: Empirical evidence of Jane Jacobs' urban vitality. *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, 41, 318-329.
- Szalai, A. (1980). The meaning of comparative research on the quality of life. *The quality of life*, 7-21.
- Voloshinov, V. N. (1973). *Marxism and the philosophy of language*. New York and London. Seminar Press.
- Whyte, W. H. (1980). *The social life of small urban spaces*. Project for Public Spaces.
- Yue, W., Chen, Y., Zhang, Q., & Liu, Y. (2019). Spatial explicit assessment of urban vitality using multi-source data: A case of Shanghai, China. *Sustainability*, 11(3), 638.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]

A new reading of urban vitality; Critical essay of contemporary readings of urban vitality in Iran

Emad Shamsollah, Ph.D. Student, Department of Urban Development, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Hamid Majedi*, Professor, Department of Urban Development, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Zahrasadat Saeideh Zarabadi, Associate Professor, Department of Urban Development, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 2023/1/29 *Accepted: 2023/10/9*

Extended abstract
Introduction: Urban vitality is a difficult and multifaceted concept that reading and defining is not as simple as experiencing it. this concept has not been properly conceptualized until now. At the same time, it faces a lack of theoretical coherence in its subject literature. The dimensions of this issue, in the field of Iranian research, have gained more breadth and depth, which is the result of incorrect interpretations and readings, and ignorant verbal and semantic mixes with the concept of "livability". It has led to the formation of ambiguities and confusions in the theoretical field of internal studies of urban vitality, which until today no research has had a critical approach. Therefore, correcting and clarifying the frequent mistakes of internal research in the first step and presenting a new text according to the nature and importance of this concept in the next step is an undeniable necessity.
Methodology: The present research, at the first level, using the content analysis method, examines the readings of urban vitality in foreign study, and at the second level, 48 selected Iranian articles (based on PRISMA guidelines) have been reviewed with an analytical-critical approach. After identifying the selected articles, the database of the articles was formed and a unique code from (1) to (48) was considered for each article. To carry out structural and content analysis of the selected articles, a table for analysis units (field of research, cited sources, focus of study, etc.), for coding and classifying the information of the articles and extracting data. The required ones were designed.
Results: A one-dimensional and non-comprehensive approach can be recognized in most readings of foreign research about vitality. In the sense that each of them has explained vitality from a specific point of view or with more emphasis on "one factor". In these readings, the "comprehensiveness" of the concept of vitality has been given less attention. The reading of internal research can be classified based on specialized fields. Based on this, the study of the "architecture" field is mostly based on paying attention to public open spaces, open spaces of residential complexes, and commercial spaces. Vitality in "Urbanism" studies is mostly embodied in the scale of streets and sidewalks. A noteworthy point is the low presence of urban fields in domestic research. The reading of "geography" studies of urban vitality is similar to "Lynch's reading".
Conclusion: To make urban vitality readable, it is necessary to examine it with a holistic approach and as a "whole". According to the new reading of the upcoming research, urban vitality is called "the comprehensive quality of the urban space" or "the ideal vision and the desired perfection of good urban design". To contribute to theoretical integration, the meta-concept of urban vitality can be explained and conceptualized in the form of "an iceberg with five layers".
Keywords: Urban vitality, Iceberg metaphor, Meta-concept, Critical attitude, Content analysis

* Corresponding Author's E-mail: majedi_h@yahoo.com

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-09-10]